



مَا شَاءَ اللَّهُ لَا يُقْوَى إِلَّا بِاللَّهِ

الحمد لله الذي تصيف جناباً في محرابنا الذي حبنا بمغفورة

بیتنام اسید و محمد بن عبد الرحمن بن حاجی محمد رشید خان

مَطْعَمُ الْمَدِينَةِ وَبَنِي إِسْرَافِيلَ  
وَالْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ وَالْجَنَّةُ

UNIVERSITY LIBRARY

[illegible]

بجانب باقی می ماند  
و برای برسی

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي هدانا لهذا  
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

فرمود هر که عمرش دراز باشد و عملش بد این حدیث صحیح است و احمد از ابی هریره روایت کرده  
 که مردی شهید شد و برادرش بعد سالی مرد و طلحه رضی الله عنه بهشت را بخواب دید و برادر  
 دوم را از شهید پیش قدم دید و این خواب بجناب حضرت صلی الله علیه و سلم گفت و  
 تعجب کرد آنحضرت فرمود که نگه بفرموده است آیا یک رمضان صوم و یک سال نماز را کرده  
 یعنی جای تعجب نیست <sup>مسئله</sup> اگر درین خوف فتنه باشد آرزوی موت جابر است در جماعت  
 آنحضرت منقول است از امارت بقوم فتنه فاقبضنی الیک غیر مفتون آنحضرت صلی الله علیه و سلم  
 فرمود باید که کسی از شما آرزوی موت نکند مگر وقتی که اعتقاد باشد او را که عمل نیک کند  
 فصل بیستم از این عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود موت تحفه  
 مومن است و همچنین از آنحضرت جابر و امام حسین و عائشه رضی الله عنهم روایت کردند  
 الموت تحفه المومن ریحانة المومن و در حدیث صحیح آمده که دو چیز را آدم کرده سید اند موت  
 و موت بهتر است از معصیت و قلت مال را و از قلت مال حساب کم باشد فائده و گاهی  
 بزرگان از شوق وصال حق آرزوی موت کرده اند رسول صلی الله علیه و آله و سلم وقت وفات  
 گفته اللهم الرفقا بالا صلی و یوسف علیه السلام گفته توفنی مسلماً و یحفظنی بالصالحین و طهرنی  
 از ابی مالک اشعری روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه و آله و سلم آنگهی موت محبوب  
 کن بسوی هر که مرا رسول تو کند سوگویی رو می گوید من شوم عریان زتن و از خیال  
 تا خرامم در نهایات الوصال فصل ۲۲ طریقی گفته که در حدیث آمده که بعضی انبیاء از ملک الموت  
 گفت که تو پیش از آمدن خود چرا کسی را نمی فرستی که مروم از تو مهشدار باشند ملک الموت  
 گفت که والله پیش از من چند خبر می آیند و آگاه می سازند بیا و پیری و تغییر سمع و بصر پس  
 چون بیاوند مراء و توبه نکرد من آواز میدهم وقت مرگ که آیا من پیش خود رسول بعد رسول و  
 نذیر بعد نذیر فرستاده بودم حالاً من خود رسول و نذیرم بعد من رسول و نذیر نیست حدیث صحیح  
 از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم است که فرموده که هر که را حق شصت سال  
 عمر داد و او را عذر باقی گذاشت باب در علامت خاتم خیر و بد و سبب آن رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم فرمود و فیکما الله اراده نیک کنی کند از بنده از عمل نیک کند پیش از مرگ رواه

این حدیث را در کتب معتبره  
 مانند سنن ترمذی  
 و مسند احمد  
 و غیره روایت کرده اند

الترمذی و حاکم عن انس و حاکم و حماد و عمر بن الخطاب و الحسن بن محبوب و احمد بن محمد و ابو داود و توفیق و دها و انا که میر و بریک و ترمین اوقات او پس  
انور می شوند و از عایشه را از آنحضرت که حد وایت کرد و وقتیکه حق تعالی اراده می کند یکبار پیش  
از مرگ او فرشته نبرد که محکم کند کار او را و توفیق و دها و انا که میر و بریک و ترمین اوقات او پس  
چون حاضر شود موت و بنید آنچه میا کرده است برای او خدا قصد بر آمدن کند جان او از حرص  
پس نگاه دوست و ارملاقات خدا را و دوست و ارملاقات او را و چون خدا باند  
بدی تسلط کند پیش از مرگ او یکسال شیطان را که گمراه کند او را تا که میر و بریک و ترمین اوقات او پس  
چون موت حاضر شود و بنید آنچه میا کرده است حق تعالی برای او از عذاب قصد فرو رستن کند  
جان او برای کرده و استن خروج پس نگاه کرده و اندنبه ملاقات خدا را و خدا ملاقات او را بعضی  
علم گفته که هاب تور خاتمه نعوذ بالله منها چنانچه استی و نماز و خودن خمر و فانی و اید او را  
مسلمانان و آنحضرت فرمودند صلی الله علیه و آله وسلم که مسلمان می میرد و عرق پیشانی در آید  
و حاکم و صحیح عن بریده و آنحضرت فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که اگر از پیشانی عرق و آب از  
چشمان بریزد و پره بینی فرخ شوند پس حمت خدا بر وی نزول کرده است و اگر از گلو آواز مثل آواز  
شتر مخنوق بر آید و رنگ او تپا شود و هر و شقیقه او خارش شود پس عذاب خداست که در آمده و درو  
رواه الترمذی عن سلمان الفارسی و در حدیث آمده موت مؤمن بعرق پیشانی نشیند و هیچ مسلمان  
نیست مگر از وی گناهی نماند است عوض آن ریخ و شدت در دنیا شده آنچه باقی مانده نمی شود  
آن میشود و رواه البیهقی عن ابن مسعود فایده سختی مؤمن که کافر هر دو را می شود و برای مؤمن است  
که کفار بکناه در رخ درجا و میشود و کافر اول شدت است که بوی می رسد و گاهی بر کافران سبب  
بعضی اعمال صالحه وقت مرگ که آخر ایام دنیا است آسانی میشود و این حسن بن و در حدیث ابن مسعود  
از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم طبرانی روایت کرده از وهب بن الورد و نیوری وایت کرده که  
حق تعالی میفرماید از دنیا برنی آرم کسی را که اگر در حق او حیرت نخواهم بر گناهی میکند عوض او را بیک  
بصیبت این است و تنگی مشق تنگی نرق سید هم اگر چیزی از گنا بان باقی میماند وقت که بری می کشیم تا که بر  
پاک از گنا بان چنانچه بود و در لالت و اگر در حق او عذاب میخواهم هر حسن که کرده است عوض آن او صحت است  
و فاضل نرق و راحت ننگانی درین میدهم اگر چیزی باقی ماند از جنات او مرگ بروی آسان بکشد تا که میر

و هیچ حسنه او را نباشد که از آتش نپاوه او بود و ابن ابی حاتم عايشه رضی روایت کرده که آن حضرت فرمود  
 که مسلمان را ثواب می رسد در هر چیزی تا آنکه در سختی وقت مرگ هم در حدیث صحیح ابن ابی الدنیا از  
 حسن بصری از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که فرمود سختی موت بقدر ریاضت  
 ضرب شمشیر باشد و هم از علی رضی روایت کرده که نه از ضرب شمشیر آسان است از موت و خطیب  
 از انس از آنحضرت همچنین روایت کرده و شهید الم موت نباشد مگر مانند غار دین بن ابی حاتم  
 خطیب از قتاده از آنحضرت روایت کرده باب آنچه انسان در مرض موت بگوید و آنچه نزد وی  
 خوانده شود و تلقین میت و بعد موت آنچه گفته شود و حاکم از سعد بن ابی وقاص از آنحضرت  
 صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که فرمود هر که در مرض خود لا اله الا انت سبحانک انی كنت من  
 الظالمین چهل بار خواند اگر در آن مرض میرد ثواب شهید یابد و اگر تندرست شود گناهان او بخشیده  
 شود و مروزی از بکر بن عبد الله المزنی روایت کرده که گفت هر که اهل الملک الموت آید و او با وضو  
 باشد و او را ثواب شهادت داده شود و آنچه حاکم از آنحضرت روایت کرده که هر که آخر کلام لا اله  
 الا انت باشد و خل بهشت شود و مسلم از آن حضرت روایت کرده که تلقین کنید یعنی یاد و شهید  
 کسی که موت او حاضر شود لا اله الا الله سبحی و شعب الایمان از ابی اوفی روایت کرده که در حضور  
 آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم غلامی را لا اله الا الله تلقین کردند او تنه است گفت لب عبیق  
 والدین هرگاه مادرش زنی شد لا اله الا الله گفت آن زمان سول الله صلی الله علیه و آله وسلم گفت  
 الحمد لله الذی انقذه لی من النار یعنی الحمد لله که او را حق تعالی بسبب من از آتش خلاصی داد و  
 ابن عساکر از عبد الله المجاری روایت کرده که مروی را گفته شد که لا اله الا الله بگوید و گفت که  
 نمیتوانم گفت بود صحبت و شتم با قومی که مرا میگردند بگفتن ابی بکر و عمر رضی الله عنهما  
 فصل ابن ابی الدنیا و دلمی از ابی الدرداء از آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده  
 که بر سر میت اگر نیت خوانده شود خدا بروی مرگ آسان کند و ابن ابی شیبه و مروزی از شعبی  
 روایت کرده که الضار من میت سورۀ بقره میخوانند و مروزی از جابر بن زید روایت کرده که  
 دوست می داشت وقت حاضر شدن میت خواندن سورۀ رعد را ازین مرگ آسان میشود  
 و می گفتند که مردم یک ساعت پیش از مردن کسی در حضور آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم

این دعا میخوانند اللهم اغفر لفلان بن فلانة و برود علیه و شجعه علیه فی قبره و اعطه الراحة بعد الموت  
و البته بنبیه و قول نفسه و صبحه روحه فی ارواح الصالحین حاجت بیننا و بدین فی داغی فی فیها الصحة  
و از بهب عن النصب الغرب یصلی علی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و این دعا که خدایا که  
قبض روح او شود و این ابی شیبہ از ام سلمه روایت کرده که گفته شود و نزد حضرت کلام سلام علیکم  
و الحمد لله رب العالمین و طبرانی از آنحضرت روایت کرده که ملائکه نزد میت حاضر میشوند و این  
میگویند بر آنچه اهل خانه میت میگویند پسترنحضرت گفت اللهم ارفع درجاته فی المهدیین و اخلقه  
فی عقبه فی الغابرین و اغفرنا وله یوم الدین باب در احوال ملک الموت و اعوان او این است  
الدنیا از ابن مسعود و ابن عباس و این گفته که چون جنتعلی ابراهیم علیه السلام را خلیل خود گرفت ملک  
الموت از جناب انبی اذن خواست که ابراهیم را ازین معنی بشارت و هم اذن شد و ملک الموت  
پیش ابراهیم آمد و بشارت داد و ابراهیم حمد خدا گفت پسترنحضرت گفت ای ملک الموت ارواح کفار را چگونه  
قبض میکنی گفت ای ابراهیم طاقت دیدن نیابدی گفت ارم ملک الموت گفت روی از من  
بگردان روی گردانید پسترن ملک الموت را بصورت مردی سیاه و بر آسمان کشیدی میگوید از  
وین او شعله آتش و در تمام بدن بر موی که هست بصورت مردیست که از دهن و از هر مسام او  
شعله آتش می بر آید ابراهیم او را دیده غشی کرد پسترن بافت آمد و ملک الموت را بصورت اصلی  
دید و گفت ای ملک الموت اگر کافر را بیچ ریخ و بماند هین دین صورت تو بس است پس گفت  
بنامم چگونه قبض میکنی روح مومنانه گفت روی بگردان از من میگوید پسترن پسترن مردی  
جوان و خیرین مردم و حسن و جمال و خوشبوی و بارچه های سفید پاکیزه پسترن گفت ای ملک الموت  
اگر مسلمان از تو مردن و دیگر راحت و کرامت نباشد هرگز نه دین صورت تو بس است و همچنین این  
ابی الدنیا از عیوب روایت کرده و ابن ابی حاتم از یزید بن محمد روایت کرده که از رسول صلی الله علیه  
و آله و سلم گفتند که یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم ملک الموت کیست و در صفهای جنگ از  
مشرق و مغرب و در میان مردم می میرند فرمود که حق تعالی اجمع کرده است تمام دنیا را برای  
ملک الموت چنانچه طشت نزدیکی از شما باشد و احمد از معمر روایت کرده که ملک الموت اجل انسان  
را نمیدانند که حکم شود قبض روح او و ابن ابی الدنیا از ابن جیح روایت کرده که ملک الموت را

[illegible]



حکم میشود که فلان کس را در فلان وقت قبض کن و ابو نعیم و غیره از مجاهد روایت کردند که تمام  
 زمین نزد ملک الموت مانند طشت است میگردد و از هر جا که خواهد برای او در کاران یعنی شکار  
 اند قبض روح میکنند پسر از آنها ملک الموت میگردد و جوهر و تفسیر خود را از ابن عباس است کرد  
 که همراه ملک الموت ملائکه رحمت و ملائکه عذاب اند جان پاک را قبض کرده بملائکه رحمت میدهند  
 و جان نجیث را بملائکه عذاب می سپارند و ابن ابی حاتم و ابن ابی شیبہ از ابن عباس روایت کرده  
 که ملک الموت را احوال اند و همچنین ابو الشیخ از شخصی روایت کرده و گفته که از احوال ملک الموت  
 میگردد و از ابن جریز روایت که ملائکه که همراه آدمیان هستند همان اجل او را مینویسند و همان  
 قبض روح میکنند و ملک الموت را می سپارند ملک الموت ترس آنهاست و طبری و ابن مند  
 از حارث بن النضر روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم ملک الموت را نزد سر مردی  
 از انصار دید و فرمود ای ملک الموت رفتی و چه بانی کن بایا من که مسلمان است ملک الموت  
 گفت خوش باش یا محمد من با هر مسلمان رفیق و همراهم و بدان یا محمد که من روح ابن آدم را  
 قبض میکنم پس متبکیه آواز گیر می برانند اجل او و خانه او استاده میشود و با من روح او می باشد  
 و میگویم ای گریه کننده کان قسم خدا ما ظلم بوی نکردیم و اجل می رسد و سابق نکرده ایم و طبری  
 ننموده ایم و ما را قبض روح گناهی نیست اگر حکم خدا صنی باشد ثواب یا بید و اگر ناخوش شود  
 گناه کار شود و بدستی که ما را نزد شما باز آمدن است کو باز آمدن پس ششبار باشد و هیچ خانه نیست  
 از نگو کاران بدکاران مگر آنکه متوجه میباشم بدان شبانه روز تا که من می شناسم هر صغیر و کبیر را  
 زیاده تر از نفس شان و قسم خدا اگر خواهم که قبض روح یک پشه کنم نمیتوانم تا که حق تعالی اذن  
 دهد و اما جمیع صادق گفته که در اوقات نماز ملک الموت بر مردم متوجه میشود پس چون وقت  
 مرگ بیند کسی را که بر نماز ایستاده یا بیکانه محافظت داشت نزدیک میشود و شیاطین را از او دفع میکنند  
 و کلمه لا اله الا الله محمد رسول الله بوی تلقین میکند و ابن ماجه از ابی امامه روایت کرده که  
 رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که حق تعالی قبض ارواح ملک الموت پیرو گمرا و اح  
 شهید را و خود قبض می فرماید یعنی کسانی که برای حج بر جاز سواری شوند فصل رسول  
 صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که در شب نصف از شعبان نوشته میشود کسانی که در آن سال



بهر شخص نکاح میکند و تولد میکند و نام او در اموات است و وحی میشود بسوی ملک الموت  
 برای قبض روح کسانی که در آن سال حکم مردن شان باشد همچنین در حدیث مرفوع و موقوف  
 آمده و حاکم و مستدرک از عقبه بن عامر آورده که اول کسی که موت آدمی را میداند حافظ او که  
 عمل او را میبرد و بآسمان و رزق آدمی آنرو و قتی که رزق خارج نشود است که خوابد و بآب  
 در بیان کیفیت موت مومن و کافر و بیان ملائکه و غیره که وقت مرگ حاضر میشوند و آنچه او را  
 می بیند و می شنود احمد و ابو داود و غیره بطریق صحیح از برابر بن عازب روایت کردند که آنحضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم چهارده مردی از انصار دوسه بار استعذی یافتند من عذاب القبر گفت و  
 فرمود که بنده مومن را وقت مرگ ملائکه از آسمان فرود می آیند خوش رو گویند و او را می شان  
 مثل آن قباب است با آنها گفتند و خوشبو می آید از جنت باشد و گردوی بشینند تا ده نگاه پست  
 ملک الموت آمده نزد سر آن کس نشیند پس بگوید ای نفس مطمئنه یعنی آرمیده بذر خدا برآ  
 بسوی مغفرت و ضحوان او پس بآید جان او چنانچه قطره از مشک میچکد یعنی بآسانی پس ملک  
 الموت آنرا میگیرد و از ملک الموت در طریقه لعین ملائکه که گروخته بودند میگذرد و در آن کفن  
 و خوشبوی داخل میسازند و از آن مغفرت خوشترین بوی مشک بر می آید پس آن نفس را بسوی  
 آسمان میبرد پس هر که ده ملائکه که میگیرند میگویند که چه خوش روح پاک است و نام او کمال  
 تقصیم میگیرد که فلان بن فلان است تا که می رسند بآسمان و در بالای آسمان می کشایند و کشاده  
 میشوند و مشایعت او میکنند ملائکه مقربان از هر آسمان تا آسمان دیگر تا که برسد بآسمان هفتم  
 پس حق تعالی بفرماید بنویسید نامه بنده من و علین و باز برید او را بسوی زمین پس رستی  
 که پیدا کرده ام آنها را از زمین دوران بازگردانم و از اینجا باز برین آرم بار دیگر پس گردانیده شود  
 روح او درین او پس بیایند و فرشته پس او را بنشانند پس بگویند من رنگ یعنی کیست  
 پروردگار تو گوید پروردگار من الله است پس بگویند چیست دین تو گوید دین من اسلام  
 پس بگویند چیست این مرد که در میان شما مبعوث شده پس بگوید او رسول الله است صلی  
 الله علیه و آله و سلم پس بگویند از چه دانی پس بگوید خواندم کتاب خدا را پس ایمان آوردم و  
 تصدیق کردم پس آواز دهد آواز دهنده از آسمان که بنده من راست گفته پس فرشتگان

برای او از جنت و پوشانید او را از جنت و بکشاید برای او دری بسوی جنت پس آمده باشد  
 او را با خوش و خوشبو از جنت و فراخ کرده شود و قبر او تا مدت گناه پس آید نزد او مردی خوشتر  
 و پاکیزه لباس خوشبو پس گوید بشا و باش بخیری که آسمان کرد خدا تر این روز تست که وعده  
 کرده شده بودی پس گوید تو کیستی روی تو خوشی و خوبی می آید پس گوید که من عمل نیک  
 تو ام پس گوید ای پروردگار قیامت قائم کن ما رجوع کنیم بسوی اهل و مال خود فرمود رسول الله  
 صلی الله علیه و آله و سلم و بدستی که بنده کافر اوقات مرگ ملائکه سیاه رو آیند با آنها مسوخ باشد  
 یعنی پوشاک آسمانی از دوزخ پیش شنید ملائکه نزد او تا مدت گناه پس آید ملک الموت و شنید نزد او  
 او پس گوید برای نفس خدایت بسوی غضب خدا پس متفرق شود روح او و در بدن او پس کشد آنرا  
 چنانچه کشیده میشود شیخ از ششم تر پس میگردد ملک الموت او را پس نگیرد آنرا و ملائکه عذاب و  
 دست او طرقتا همین تا که سکنند او را و آن مسوخ و بری آید از وی بماند بدترین روی مرد او پس  
 می برند او را بسوی آسمان پس نمیکند رو بر جماعتی از ملائکه میگویی که چه روح خدایت است  
 پس میگویند فلان بن فلان است بدترین نامهای او که در دنیا بود تا که بسوی آسمان میبرد  
 پس کشته نشود و برای او دروازه آسمان و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند لا تخف  
 لکم البأس انما یخاف لکم العذاب انکم تصعبون و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند  
 انما یخاف لکم العذاب انکم تصعبون و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند  
 او در بین او بپایند او را و در شسته پس نشانند او را و بگویند از او بر سه سوال گذشته و او هر بار  
 بگوید ماه ماه منید انم پس آید کند او را زکننده آسمان که دروغ گفته این بنده من پس فرزند کنید  
 برای او از آتش و پوشانید او را از آتش و بکشاید برای او دری بسوی دوزخ پس آمده  
 باشد او را که می و باو زبر آلوده و دوزخ و تنگ شود و بر وی قبر تا که با یکدیگر شوند استخوان سینه او  
 و بیاید او را روی بد و بد پاچه بد و پس گوید بشارت باو ترا بخیری ناخوش کند تر این روز است  
 که وعده کرده اند بخوبی تو پس گوید تو کیستی که روی تو بدی و ناخوشی می آید پس گوید که من اعمال  
 بد تو ام پس گوید ای پروردگار قیامت قائم کن ما رجوع کنیم و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند  
 انما یخاف لکم العذاب انکم تصعبون و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند  
 او در بین او بپایند او را و در شسته پس نشانند او را و بگویند از او بر سه سوال گذشته و او هر بار  
 بگوید ماه ماه منید انم پس آید کند او را زکننده آسمان که دروغ گفته این بنده من پس فرزند کنید  
 برای او از آتش و پوشانید او را از آتش و بکشاید برای او دری بسوی دوزخ پس آمده  
 باشد او را که می و باو زبر آلوده و دوزخ و تنگ شود و بر وی قبر تا که با یکدیگر شوند استخوان سینه او  
 و بیاید او را روی بد و بد پاچه بد و پس گوید بشارت باو ترا بخیری ناخوش کند تر این روز است  
 که وعده کرده اند بخوبی تو پس گوید تو کیستی که روی تو بدی و ناخوشی می آید پس گوید که من اعمال  
 بد تو ام پس گوید ای پروردگار قیامت قائم کن ما رجوع کنیم و آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم این آیه خواند

پس کشته نشود  
 برای آنکه در آسمان  
 آنکه در آسمان  
 از آسمان  
 پندارند  
 او را بپایند  
 در میان جنت

بسوی دوست من او را بیار بر من پس بدستی که من در امتحان کردم بخوشی و ناخوشی پس  
 یا فتم او را دوست تر پس بیار او را تا را کنم او را از پنجها و غمهای دنیا پس بد ملک الموت بپا نهد  
 فرشته با آنها گفتنها و خوشبو از بهشت باشد و با آنها باشد دستها از بحران پنج ریحانه کی باشد و در  
 سرش بهشت رنگ باشد هر رنگ را بوی علمی و با آنها سرخند باشد در آن مشک از فرشتند  
 ملک الموت نزد سر او در گذارد او شوند ملائکه هر فرشته دست خود بر عضوی از اعضا او نهاده و  
 بکشند آن حریر و مشک بر ذوق او و کشاده شود برای او دری بسوی بهشت و غیث داده  
 شود او را تحفه های بهشت گاهی بازواج و گاهی بوپشاک و گاهی میوه چنانچه طفلان را چون گند  
 پنجه های خوش مشغول می سازند و از ولج او یعنی در بهشت اشتیاق کنند او را و جنگی و جلدی کنند  
 روح او ملک الموت بگوید برای روح پاک بسوی بندر مخصوص یعنی کنار بخار و طلح منصوب یعنی دخت  
 بافته از برگ که شاخ از کثرت برگ ویده نشود و ظل ممدو یعنی سایه دراز و مار مسکوب یعنی آهبار  
 روان فرمود آنحضرت که ملک الموت با سیت لطفا کند چنانچه والده با ولد کند از بهر آنکه میداند که این  
 روح محبوب نزد خدا و کریم است نزد وی از لطف کردن با آن روح ملک الموت رضا خدا را خود  
 میخواهد پس بکشد روح او را چنانچه بسوی از حیر کشیده شود و چون روح براید ملائکه گرد او بگویند سلام  
 علیکم طمطم فاعلموا الجنة ما کنتم تعلمون یعنی پاکی ست شما را و حل بهشت شوید با اعمال خود پس چون  
 ملک الموت روح را قبض کند روح مرید را بگوید حق تعالی ترا جزا بخیر دهد و بدو می تو من جلد بسوی  
 فرمانبرداری خدا و در از محصیت او پس گوا را با و که نجات یافتی و نجات دایم مرا و جسد روح  
 همچنین گوید و بقهاسی ندین که آنجا عبادت میکردی و بر وی گریه کنند و در می آهمن که از آن  
 عمل او بالا میرفت و رزق او از آنجا فرود می آید تا چهل روز بر وی گریه کنند و بعد قبض روح  
 آن پالصد فرشته نزد جسد او باشند هر گاه بنی آدم آن مرده را از پیلو به پیلو کنند آن فرشتگان و  
 پیشتر از آن از پیلو به پیلو گردانند و کفن او را جنوط رسانند پیشتر از آن که او میان رسانند و  
 استاده شوند از روز و روزه او تا قبر و وصف از ملائکه استقبال کنند برای او با استغفار از زمان  
 ابله پس آوازه کند بعضی که لشکرا از آن آوازه بعضی استخوان جسد او و بگوید لشکر خود را الهامی است  
 شمارا چگونه خلاص شد این منده از شما پس بگویند که این مرد معصوم بود یعنی خدا او را نگاه داشته

پس قتیکه روح اور اسبوی آسمان برزخ استقبال کست اور اجبریل علیہ السلام در قیام و نهار ملائکہ  
 ہر یک ازان اور البشارت دہند از پروردگار او پس چون ملک الموت اور العرش رساند آن  
 روح بسجده رود و برای پروردگار او پس بفرماید حق تعالی ملک الموت را کہ ببندہ مرا پس از  
 اورا فی سدر منضود و طلح منضود و ظل محدود و مایہ مسکوب پس قتیکہ بنداوہ شود آن مردہ  
 و قبر پس آید نماز باشد بر زمین او روزہ برسیار و قرآن و ذکر نرزد و سر او در قمار و برای نماز  
 نرزد و دو پای او و صبر نرزد و گوشہ قبر او و نبردند اللہ تعالی کردنی از عذاب یعنی بسبب بعضو  
 معاصی کہ از وصا و رشده باشد پس آید اورا از جانب میں پس اورا نماز گوید و دفع کردہ است  
 ترا این بندہ قسم بخدا کہ این بندہ هیچ کشیدہ است تمام عمر حیات نیافتہ است مگر حالاکہ و قبر بناوہ  
 شدہ پس از جانب چپ آید روزہ پچہنین گوید پس از جانب سر آید پچہنین گفتہ شود پس از  
 هیچ جانب عذاب بسبوی اورا نہ نیاید و صبر دیگر اعمال را بگوید کہ من بذات خود مانع نشدم  
 از آنجا کہ شما کفایت کردید اگر شما عاجز شدید من یاری او میکردم حالاسن فخرہ او ہستم نزد مطلق  
 و میزان و فرمود و آنحضرت صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم و قبرست حق تعالی دو فرشتہ کہ بصر آنها نہند  
 برق رابندہ باشد و آوازہ شان مثل رعد و دندانهای شان مثل شاخ کاو و دم آنها مانند شعله  
 آتش در میان ہر دو شانہ و چندین بعد و مسافت باشد از دل آنها حق تعالی رحمتہ دور کردہ  
 مگر بر مسلمان نام نمی منکر و نام دیگری نگیرد و دست ہر یک از آنها گری باشد از آنہن کہ اگر جن  
 و انس جمع شوند آنرا حرکت نتوانند و او پس بگوید یا نور شہین پس بشنید در قبر خود و فرستہ رفتہ  
 کفن او پس بگویند کیست پروردگار تو و چیست دین تو گویت نبی تو گوید پروردگار من اللہ  
 است و وحدہ لا شریک لہ و دین من اسلام است و نبی من محمد است علیہ الصلوٰۃ و السلام  
 خاتم النبیین پس بگویند در است گفتی پس قبر او را از ہر سو فراخ کنند و بگویند کہ سبز  
 بالای خود پس بنید بہشت را و گویند این خانہ نشت ای ملی خدا بسبب فرمان ہر واری حق تعالی  
 فرمود و رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم پس قسم کسی کہ جان من در دست اوست کہ در دل آن مردہ  
 بقسمی حجت رسد کہ گاہی دو فرشتہ او پس بگویند کہ سبب زیر خود پس وزخ را بنید و بگویند ای  
 ولی خدا نجات یافتی ازین مود و رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کہ قسم کسی کہ جان من در دست اوست

اورا بهی فرحت بدید رسد که گاهی دور شود و کشاده شود برای او مقدار هفت و رسیوی  
جنت که آمده باشد او را از اینجا خوشبو و رحمت تا که بهیتر اند و احق تعالی از قبر او و گوید حق تعالی  
ملک الموت را که بروسیوی دشمن من پس بیا و او را پس بدستی که من فرائح کردم منق او و حرا  
او بهیعت خود پس نکند و بجز نافرمانی من پس بیا و او را تا انتقام گیرم از او پس و او ملک الموت  
در بدترین صورت که ندیده باشد کسی از مردم گاهی باشد او را و دوازده چشم و با او سنجی باشد  
از آتش بسیار خار دارد و با او پانصد فرشته باشند با او آتش باشد و پیکارها از آتش  
دو رخ و با آنها تازیانه باشد از آتش او و خسته پس بنزد او را ملک الموت بدان سنج بیخی غائب  
شود و به خار از آن سنج خار دارد و هر سه و هر برگ او گفت سپهر کشید از آن سنجی پس بکشد روح  
او را از ناخن های پای او پس بنید از او آرد و پاشند مایه و پس بهیوش شود و دوازده و نرسد  
فرشتگان وی و پشت او را بان تازیانه های سپهر چنبدین باشد روح تا بنید از او سپهر تا سینه او  
هر چنبدین تا حلق و گستر اند ما که آن و خان سوزان و آتش و دوزخ نیز دوزخ او و گوید ملک الموت  
بر آبی نفس خبیث لعین ملعون بسوی سجده یعنی با و بر آورده و جمیع آب کمال سوزان  
و طیل بین سجده و آبار و آلاکیم و سایه از دوزخ نهایت سیاه نه سر و پیفید و چون قبض کند  
ملک الموت روح را روح گوید جسد را و جسد گوید روح را جزا بد خدا ترا بدو می تو حلد بسوی  
معصیت و دوزخ و طاعت پس هلاک شدی تو و هلاک کردی مرا و لعنت کند او را بقعه  
نه بین که بران گناه میگردد و لشکر اندیش بنده پس که اگر دیکمی از بنی آدم را در دوزخ پس  
چون نباده شود و در قبر تنگ شود بر قیامت که هر یک شوند استخوان سینه او و بفرستد حق تعالی  
مارهای سیاه را پس بگذارد از ترنگشت های پای پس بخورد آنرا تا که برسد در که او بفرستد  
حق تعالی بسوی وی منکر و کبیر او پسند از پروردگار دوزخ و بنی او و گوید او بنید از من پس گفته  
شود او را ندانستی و شیرینی کردی پس بزنند او را بقسمی که بیزد شراره های آتش و در قبر او  
باز دست شود و گویند بهن بالا تو پس بنید بهشت را و گویند ای دشمن خدا اگر فرمان بردار  
نشدی میگردی این تو میشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم پس قسم کسی که جان من در  
دست اوست که رسد او را حسرتی که دوزخ شود و از و گاهی و کشاده شود و برای او و دوازده

بسوی دوزخ گفته شود انبیت خانه تو بسبب نافرمانی خدا گشته و شود برای او عفت و  
 عفت در بسوی دوزخ تا آید او اگر می و با و هرگز و آن تا که بر دارد و او را حق تعالی روز قیامت  
 بسوی دوزخ آنچه درین حدیث آمده که ملک الموت نعمتهای بهشت نموده بنده مومن را عفت  
 میدهد مثل طفلان او را خوش میازد بعضی وستان خدا بان نعمت با بر فردی آرد و دیگر حق  
 میخوانند نقل است که شیخ سعادی رحمه الله علیه وقت مرگ چون نعمت های بهشت دید بر او  
 و گفت شعر اکنان منزلتی فی الحسب عندکم ما قدر ایت فقه ضیعت ایامی یعنی اگر هست  
 مرتبه من و محبت نزد شما آنچه من دیدم پس رستی که من عمر خود را ضائع کردم حق تعالی نداد داد  
 من موجود پس چه میخواهی گفت شعر اروم و قیال المدی ملک فطره و کم من ما ردون جری  
 به طاعت یعنی میخواهم و بدستی که دراز شده است مدت خواهش از تو دیداری و بسیار خیزها  
 نزد این آرزو رنجیده شده از آن حق بر روی تجلی فرمود و آن بزرگ جان بحق تسلیم نمود همچنین شاه  
 شرف الدین ابوعلی قلندر صاحب پانی تپی رحمه الله گفته شعر که بیاید ملک الموت که جانم برده  
 تا بنیم رخ تو روح میدانم ندیم لیکن از کلام حضرت الشیخ باقیوم ربانی مجد و الف ثانی  
 رضی الله عنه خیال مستفاد میشود که این چنین خواهش کلمات گشتن و نعمای بهشت را بخاطر  
 نیاوردن از تقایمی سکر است اصحاب صحواچه نعمتهای بهشت است و غیره نعمای که دلیل  
 رضیات حق است از این سرچشم از کمال ادب می نمند و میدانند که دیدار خدا درین نشانه  
 متصور نیست موعود و حجت است انجا جسد و بصیرا حق تعالی قوتی دیگر خواهد داد که طاقت بردن  
 رتبه خواهد داشت موسی علیه السلام پیغمبر اولی العزم طاقت رویت ندشت و مخاطب لمن ترانی  
 شد و خر موسی صغیرا انجا اگر هست رتبه قلبی است نه رتبه بهیرو رتبه قلبی بعالم مثال تعلق دارد  
 چنانچه حضرت قلندر میفرماید شعر غیرت از چشمم بر روی تو دیدن ندیم و گوش به اینر حید  
 تو شنیدن ندیم یعنی اینجا آنچه هست چشم دل و گوش دل است نه بچشم و گوش بشر الله  
 اعلم آنچه دیگران یعنی تجلی و رتبه قلبی کالبرق است این حضرات را وائی است و دیگر باید دانست  
 که در قرآن و حدیث احوال مومنان کامل و احوال کافران و منافقان مذکور است و احوال مومنان  
 فاسق و سوطان کمتر مذکور است بقایا سیه دریافت میشود بدو حجت کی آنکه در وقت رسول شد

صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم صحابہ برہمنان کامل بودند یا کفار یا منافق بودند و دم آنکه احوال تنوع  
بسیار مختلف است نظر بر کثرت جرائم و قلت آن وقوت ایمان و ضعف آن و دیگر باید دانست فضل  
روح شریف طهرانی و عبد بن حمید بسند ثقات روایت کرده از عبد المذنب عجمی که گفته وقتیکه بنده  
و راه حق تعالی قتل کرده شود اول قطره خون او که بر زمین افتد گناهان او بخشیده شود پس با چوب  
از بهشت آید و نفس او و روان کرده شود و او را چسب از بهشت آید آن کب که خوش روح و اروا با ملک  
آسمان و ملائکه باشد گوید که از اول خلقت با فرشتگان بود تا که او را حضور حرم حاضر سازند پس حمد کند  
پیش از ملائکه و ملائکه بعد از آن سجده روند پس حکم شود که باشد کرده شود پس آید باشد و حرم  
سبز و قبه های حریر و نشان گاو باشد و ماهی باشد ماهی بخور و انواع خوشبو از آنها بهشت و چون  
شام شود کاوان ماهی را شکم بدو بشاخ خود و پاک کنند از این بخورند شمشیر کوشش مایه  
و یابند و گوشت او بر روی خوش از آنها بهشت و شب آگاه گاو چیده باشد و بهشت از میوه  
پس چون صبح شود ماهی بر روی آید و کوچ کند او را بدو خود پس بخورند شمشیر آن گوشت او را یابند  
از ولادت هر سوره بهشت و بنید شمشیر آن خانه نای خود و بهشت و در بهشت کنند از حق تعالی  
بقیام قیامت و دیگر قصه قبض روح و احوال قبر مومن و کافر مثل حدیث گذشته درین حدیث  
هم آمده و در کتب عباد و تفسیر قوله تعالی این کتاب الابرار یعنی علین ابن مبارک روایت کرده  
که روح مومن چون بعثت میرسد بر آورده میشود برای او از زیر عرش تقایم پس مهر کرده شود و  
نوشته شود و نهاده شود زیر عرش برای نجات او و حساب قیامت علین عبارت از زیر  
عرش است و قوله تعالی این کتاب الفجار یعنی سجین گفته که روح کافر چون بسوی آسمان برود  
شود آسمان آن را قبول نکند انداخته شود بسوی زمین زمین او را هم قبول نکند پس انداخته شود  
زیر بغت زمین سلانیده شود تا سجین این آورده شود برای او از انجا رقیه پس مهر کرده شود  
بر آن نهاده شود زیر حد بلبل که در جای بلبل است برای حساب صاحب قاموس گفته  
سجین و اوی است و جنبه با سنگی است زیر زمین بنفتم و این ابی شعیبه از ابی هریره روایت  
کرده که قبض روح مسلمان کرده میشود تا که می بیند بشری نهی شکست و بعد موت آن مرده آواز  
کند لقب کسی در خانه از صغیر و کبیر جاندار هر که باشد آواز او بشنود و اگر حرم این بگوید حله بیایند



یار حم الراحمین پس چون برخانه نهاده شود بگوید چه قدر وید میرود پس چون لمجد داخل کرده شود  
 نشانیده شود و حاجی در پیشبست نیند بگوید ای پروردگار داخل کن مرا در آن حکم شود و هنوز وقت  
 آن رسیده است بدستی ترا دیگر برادران و خواهران اندینو نیامده اند لیکن خواب کن خوش و  
 خرم گفت ابوهریره پس قسم بخدا که بخوابد آنکس خوابی کوتاه تر و شیرین تر که بچسب آن قسم خفته باشد  
 تا که برآورد و سر خود را بسوی هشت روز قیامت حضرت قلندر میگوید شصت و شش گز شبی است و  
 وصل تو از غایت شوق و اقامت نشو و صبح دیدن ندیم و این مرد وید و این منده از  
 ابن عباس وایت کرده و حدیث طویل در حال مومن که دلبازی آسمان برای او کشاده شود و چو  
 نیرتند بر نوشته در بر آسمان تا که رسد ملک جبار و بگوید جبار تعالی مرعاب روح پاک و جسدی که از تو  
 برآمده و بفرماید که او را در پیشبست داخل کن و خانه او بنامند پیش او را بسوی نین هر پدش فرو آورند  
 او را در مقدار زمانی که مردم از غسل و کفن او فارغ شوند و چو داخل کنند آن روح را و جسد کفن او را  
 و آرائی از میوه بنیست مسود وایت کرده که گفته شد یا رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم جنب خواب  
 کند فرمود و دست نمیدارم که خواب کند تا که وضو نکند می ترسم که میرود و جبریل بروی حاضر شود این  
 ابی شیبه و ابن ابی الدنیا و غیره از زبیر بن جحش صحابی روایت کرده که منی میرود کسی گر آنکه نموده بخند  
 او را صورت مثانی بنشیند آن اگر از اهل الموت صورت اهل بهر و اگر اهل زکرت صورت اهل  
 ذکر و آن با جزایابی و سی روایت کرده که پرسیدم از حضرت که نشناسائی بنده از مردم می منقطع  
 میشود و فرمود و تنگی که می بیند یعنی ملک الموت و ملائکه را در محبین از عباد بن الهی است ضعیف  
 مرویست که نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که ملاقات خدا دوست دارد خدا ملاقات او  
 دوست دارد و هر که ملاقات خدا کرده دارد خدا ملاقات او کرده دارد و عائشه گفت که ما مردن  
 را مکره میداریم فرمود ما در این نیست لیکن مسلمانان اوقات حضور موت خوش خبری داده شود  
 برضامندی خدا و اگر می دشمن او پس نباشد او را خبری محبوب تر از آنچه پیش آید او را یعنی موت و  
 خدا دوست دارد ملاقات او را و چون کافر را مردن پیش آید خبر داده شود و بعد از  
 خدا پس هیچ چیز او را مکره تر نباشد از ملاقات خدا پس مکره و اند حق تعالی ملاقات او را و این خبر  
 و ابن المنذر از ابن جریج روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ای عائشه و تنگی

بنید مسلمان ملائکه را گویند و از ملائکه ترا باز گردانیم بسوی دنیا گوید که مرا بجانم غم و حزن نهند  
 مرا بسوی خدا برید و کافر بنویسند ای پروردگار مرا باز بسوی دنیا بفرست که شکلی عمل صالح کنم در  
 آنچه ترک کردم و البونعم ان مسلمان فاسی از حضرت روایت کرده که او مسلمان را در قبر از خوش  
 خبر داده شود برضامندی خدا و بهشت و گفته شود خوش آمدی حق تعالی بخشیده کسانی را که  
 همراه جنازه تو تا قبر تو مشالعت کرده و البونعم از مجاهد روایت کرده که مسلمان از خوش خبر  
 داده شود به صالح بودن فرزندان و بعد از پیری سر می چشم او و احمد و ترندی و ابن ماجه از ابن عمر  
 از حضرت روایت کرده که فرمود حق تعالی قبول میکند تو بنده تا که جان او قرب برگ رسد  
 فصل روح میت مومن با دیگر ارواح مومنان ملاقات میکنند چنانچه طبرانی در او وسط  
 از ابوالیوب انصاری رضی الله عنه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود  
 که روح مسلمان و قتیکه قبض کرده میشود ملاقات میکنند بادی اهل حیات از بنندگان خدا  
 چنانچه در دنیا اگر کسی که می آید ملاقات میکنند و با هم گویند که فرصت و بیدار خود را تا که آرام  
 گیر و درستی که او در کمال پنج و شصت بود پست از او پرسند که چه میکند فلان و فلان پس قتیکه  
 بگویند که او پیش از من مرده است پس اینها منسوب کنند و آنگاه او را آید رجوع گویند و  
 گویند او را برده شد بسوی ما و یعنی و زرخ و فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که اعمال شما گفته  
 میشود و اقربا و قبیله شمارا که مشتیر مرده اند یعنی آنکه اهل خیر اند پس اگر عمل نیک می باشند  
 خوش میشوند و میگویند که الهی این فضل است پس تمام کن نعمت خود را بروی و موت ده  
 او را بر چنین اعمال و اگر عمل بد می باشند بگویند که الهی او را توفیق عمل نیک ده تا توار  
 دی راضی شوی بدان و قریب کند او را بسوی تو و ملاقات کردن مردگان که مشتیر مرده  
 اند خوش شدن آنها ملاقات مرده حال و استقبال کردن پس که مشتیر مرده باشد پدر را  
 چنانچه غائب است استقبال میکنند و احادیث دیگر هم آمده فصل احمد و طبرانی از ابی سعید  
 خدری روایت کرده که نبی صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که میت می شناسد کسی را که او را  
 غسل میدهد و می بردارد و کفن میدهد و در قبر فرود می آرد و او را ابن ابی الدنیا از کبر عیسی  
 زنی آورده که مرده سیده یعنی از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم که آنچه نزد میت میشود میت

آنرا میداند اگر قدرت بر کلام میداشت منع می کرد از نو و مانند آن و ابو شیخ از آن حضرت م  
 روایت کرده که زنی در مسجد جارب می کرد و مرد و آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم را علم نشد  
 پس گذشت آن حضرت بر قبر بروی و بر قبرش نماز جنازه خواند پس صاحب قبر را خطاب کرد  
 فرمود که کدام عمل بهتر یافتی مرد گفتند یا رسول الله این می شنود و فرمودستید شما شنو از آنکه  
 پیش مرده بود که این بن جواب داده که جارب کشتی مسجد بهتر یافتی و در همین است از ابی سعید  
 خدری که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که چون جنازه میت را می برند اگر صالح  
 میباشد بگوید پیش بریدم و اگر غیر صالح میباشد بگوید کجایم بریدم اسامی او میان چیز  
 او را می شنود و ابن ابی الدنیا از عمر بن خطاب از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت  
 میکند که میت بر جنازه میگوید ای برادران بر وارنده نعش فریب ده شمار احیات دنیا و باز  
 نکند باشما زانچه چنانچه بامن کرده آنچه گذاشتم برای دارنمان است و جزا دهنده روز قیامت  
 بامن خصومت و محاسبه خواهد کرد و شما همراه من می آید و گذاشته خواهید رفت فصل  
 ابن عساکر از ابن مسعود از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که داود علیه السلام گفته  
 آنکه چیست جزای آنکه پیروی جنازه کند تا گوید برای طلب جنای تو فرمود حق تعالی جزای  
 او آنست که در ششگان من مشایعت او خواهند کرد و روز موت او و حمت خواهم کرد بر روح او  
 و در روح فصل ابن ابی حاتم از علی ابن ابی طالب روایت کرده که چون مسلمان می میرد  
 نمازگاه او از زمین و جای بالا رفتن عمل او از آسمان بروی میگردد و از ابن عباس مروی است  
 که زمین تا جبهل روز بروی می گرد و شواهد این از سلف بسیار روایت فصل طبرانی  
 از ابن عمر روایت کرده که حبشی در مدینه مرد و دفن کرده شد آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 فرمود و دفن کرده شد و طیبه که از آنجا پیداشده بود و این چنین از ابی سعید و ابی الدرداء  
 مروی است و ابو نعیم از ابی هریره آورده که آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که میت  
 هیچ مولود و مگر آنکه ریخته شده است بروی از خاک قبر او یعنی بر نطفه و مکیم در نوا و الاصول  
 از ابن مسعود روایت کرده که فرشته مومل است بر رحم میگردد و نطفه از جسم می نهد بر كف خو  
 و میگوید ای پروردگار مخلقه باشد یعنی آدم از او پیداشد و یا غیر مخلقه اگر مخلقه باشد گوید ای

بروردگار چیست نزع او چیست جای اقدام او چیست اجل او چیست عمل او حکم شود بین  
 در لوح محفوظ از انجا دلیلت کند و بگیرد خاک از زمینی که در آن دفن کرده شود و نمیکنند بدان  
 آن نطفه را این است قوله تعالی منها خلقناکم الفصل در منفعت دفن و همسایه صالح  
 ابو نعیم از ابی سبره از ابن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرمود دفن کنید مرده  
 خود را در میان قوم صالحان بدستی میت اندازید میخشد از همسایه بد چنانچه زنده اند میخشد و  
 ابن عساکر از علی ابن کسیر و محمد بن روایت کرده و ابن عساکر از ابن عباس از ابن حضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که وقتیکه میرد یکی از شما نیک کنید کفن او و صلبی  
 کنید و از انجا وصیت او غمیق کنید و او را دوری نخواهید از همسایه بد گفته شد یا رسول الله  
 صلی الله علیه و آله و سلم همسایه صالح نفع می کند فرمود آری و ویلی از اسم الله هم چنین است  
 کرده ابن ابی الدنیا از عبد الله بن نافع مزی روایت کرده مردی در مدینه فرو دفن کرده شد  
 آنجا پس کسی او را دید که از اهل مخرج است و غم خورد بروی بعد هفت بهشت روزید که آواز  
 اهل بهشت است از او پرسید گفت که دفن کرده شد با من مردی صالح پس شفاعت کرد  
 و چهل کس از همسایه خود را هم در آن بودم این منده از ابن عمر روایت کرده از نبی صلی الله علیه  
 و آله و سلم که چون مسلمان می میرد هر بقعه زمین محل میکند و آرزوی میکند که در انجا دفن شود و  
 چون کافر می میرد مقابل ظلمانی می شود و هر بقعه پناه می جوید از خدا که در انجا دفن شود

### باب آنچه بر مرده خوانده شود و احمیه و تلقین میت

طبرانی و بیهقی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که جلد سو  
 قبر او رسانید و وقت دفن در قبر او نذر و سرافاتحه و نذر دپای او خاتمه سوره بقره بخوانید  
 و در روایتی آمده که نذر و سرافات اول و آخر سوره بقره خواند و روایتی آمده که بگوید اللهم  
 اجره من شیطان ومن عذاب القبر و نزار علی روایت کرده که بگوید بسم الله و فی  
 سبیل الله و صلی الله علیه و آله رسول الله اللهم عبدک نزل بک و انت خیر منزل به خلقک دنیا باط  
 ظهراً فاجعل ما قدم علیه خیر مما خلف فانک قلت و اعند الله خیر لابرار و ابن ابی شیب

از انس روایت کرده اللهم جاف الارض عن جنبه وافتح ابواب السمار لروحه وابدله دار خیر

من داره واز مجاهد آورده اللهم افسحه فی قبره و نور له فیہ و الحقه بنیة صلی الله علیه و آله و سلم صل  
او عیة آنکه آلمی این را از شیطان و عذاب قبر پناه و قبر او را فرخ کن و منور کن و در آملی  
برای روح او کشتا و خانه آخرت او بهتر از خانه دنیا کن و او را به پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم لایح  
این چنین دعا و حق میت کند و از جناب حق طلب مغفرت او نماید و طبری از ابی امامه  
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که چون خاک بر قبر ریخته شود باید که شخصی  
بر سر قبر بایستد و بگوید ای فلان بن فلان اگر نام مادرش نداند بگوید این حوا مرده خوانند  
و جواب بخواند و او باز بگوید ای فلان بن فلان ای فلان بن فلان ای فلان بن فلان ای فلان  
مرده خواه گفت ارشاد کن حمت کند ترا خدا پس بگوید یا کن ایچ و دنیا بر آن بگوید شهادت

ان لا اله الا الله و ان محمد عبده و رسوله و انک ضیبت بالهدی و بالاسلام و بنا و محمد نبیا  
و بالقرآن اما پس منکر و کبیر هر یک است دیگری گرفته بگویند که برویم چه کنیم نزد کسی که  
او را حجت اولفقین کرده شد باب و ضغطة قبر ضغطة قبر یعنی تنگ گرفتن او حجت  
اکثر صالحان را هم میشود و گویاند که باشد حتی که سعد بن معاذ رضی الله عنه که از کبار صحابه و بهتر  
اولین انصار است و عرش از وفات او حرکت کرد و نهفتا و هزار فرشته جنازه او را میباشپیت کردند  
او را هم ساحتی ضغطة شده و در روایتی آمده که زینب و رقیه دختران رسول کریم صلی الله علیه و آله  
و سلم را هم شده و سبب ضغطة بعضی زلزلتی باشد که گفته آن ضغطة شود و بعضی از امیه بن عبد الله  
روایت کرده که از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم سبب ضغطة سعد بن معاذ رضی الله عنه پرسیده  
شد فرمود که در تطمیر بوی چیزی تقصیر میکرد و بعضی و غیره از علایقه روایت کردند که گفت یا رسول  
الله از روی که حدیث آواز منکر و کبیر ضغطة قبر فرموده مرا آنامیت فرمود ای عالیه آنکه او را  
منکر و کبیر در گوش مسلمانان چنان باشد که انچه در چشم ضغطة قبر بر مسلمان چنان باشد چنانچه  
پس پیش باور مشفقه شکایت صداع میکند او سر او را در دست میگردد و نیمی می افشارد  
بعضی علما گفته که عقوبت گناه مسلمان بده چیز دور میشود یکی آنکه توبه کند دوم آنکه از خدا  
طلب مغفرت نماید سوم آنکه از عمل صالح گناه او دور میشود چهارم آنکه در دنیا او را مصیبتی رسد

پنجم آنکه در قبر حفظه شود ششم آنکه دیگر مسلمانان بر پای او عجمی نفرت کنند هفتم آنکه مسلمانان  
 ثواب اعمال صالحه بخشد هشتم آنکه در روز قیامت سختی کشد نهم آنکه شفاعت نبی صلی الله علیه و  
 آله وسلم و تسکینی فرماید و دهم آنکه رحمت الرحمن شاملی الی الله و ابوالنعیم در حلیه از عبد الله بن شخیر  
 روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که در مرض موت قل هو الله اصد خواند  
 از فتنه قبر و فتنه قبرستان و روز قیامت او را بدستهای خود بر پشت از صراط گذرانند به جنت رسانند

## باب اعمال بصوت نهان شده محاسب کند و قبر

ابن ابی الدنیاء عن عطاء بن سیر و غیره روایت کرده که چون مرده را در قبر نهاده شود و اعمال او  
 حاضر شوند بصورت انسانی و بگوید من عمل تو ام کند اشیای بماند و اولاد و قبایله خود را و آنچه خدا  
 تر داده بود پس پشت خود کسی را تو در قبر تو سواي من داخل نشده پس بگوید تا کسی ترا اختیار  
 میکردم باین دود و غیره و بر هر چه خدا مرا عطا کرده بود چون کسی با من نیامده سواي تو

## باب کلام قبر و غدا و شب

و ترمذی حدیث حسن از ابی سعید روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم پیشتر گفتند  
 ذکر شکندة لندتار که موت است بر رتی بیج روزی آید که قبر در آن نمی گوید که من خانه تنهایی  
 و غربت ام و خانه خاک و گرم و قتی که دفن کرده میشود بنده من قبر او را مرجا بگوید و بگوید  
 که تو دوست ترین مردم بودی که بر من می رفتی پس چون دالی کرده شد من امروز بر تو  
 می بینی آنچه با تو سلوک میکنم پس سراخ شود قبر تا نگاه و کشاده شود درمی بسوی بهشت  
 و چون کافری با فاجر دفن کرده شود گوید قبر لا مرجا و لا اهلا بر آنیه مخصوص ترین مردم بودی که  
 بر من میرفتی پس چون دالی کرده شد من امروز بر تو پس می بینی آنچه بتوی کنم پس به پیچید  
 بروی تا که جای یکدیگر نشوند استخوان سینه او فرمود رسول صلی الله علیه و آله وسلم پس مسلط  
 کرده شود بر وی بقتل و اگر یکی از انسانها و مرد در زمین چیر می تا که باقی ماند و دنیا  
 پس گیرند و نیش زنند آن را تا که حکم شود بسوی حساب فرمود رسول صلی الله علیه و آله وسلم

قبور است از چنهای هشت یا خاریست از غارهای دفرخ و دین بابا حدیث بسیار اند  
باب و رفته تقریبی سوال منکر و کثیر احادیث بسیار وارده شده تواتر رسیده چنانچه حدیث  
نبرابر بن عذاب و تسمیم درسی بالا گذشت و دیگر احادیث بعضی مختصر و بعضی مطول مروی است و  
ابن ماجه و غیره از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود و قتی که  
مرد مرده را داخل قبر کرده میشود و او را آفتاب وقت غروب مثل میشود پس می نشیند شبها مابده  
میگوید که گذارید مرا که نماز گزارم و حکیم ترمذی از سعید بن سبیب روایت کرده که چون سوال  
کرده میشود میت که من کجاست شیطان حاضر میشود پس شارت بسوی خود میکند که منم  
پرو و کار تو حکیم ترمذی گفته که قوله صلی الله علیه و آله و سلم اللهم اجره من شیطان تایید این  
قول میکند **فصل** در کیفیت سوال اختلاف روایات است شاید که بعضی مروم از بعض  
اعتقادات سوال کرده میشود و بعضی از مجموع آن یا راوی در روایت بعضی اقتصار کرده  
و در بعضی روایات است که در یک مجلس سه بار سوال کرده خواهد شد و از طائوس مرویست  
که تا بهفت روز سوال کرده شود فائده ببرد و دفن نکرده شده بر دار کشیده شد یا غرق شد  
یا سوخته شد یا درنده او را خوراد و هم از ضعفه و سوال عذاب یا ثواب یا نصیب بنیت قبر  
عبارت از عالم برنج است **فصل** ابن عبد الله گفته که سوال نخواهد شد مگر مؤمن یا منافق  
را که منسوب است بدین اسلام بخلاف کافر مجاهر و قریبی و ابن قسیم میگویند که کافر را هم  
باشد و سیوطی گفته که قول اول صوابست فائده ابن تیمیه گفته که احادیث متواتره  
و دلالت دارند بر آنکه روح بسوی بدن عود کرده شود و وقت سوال و بران دلالت دارند که  
روح را در آن وقت باین نوعی علاقه باشد اگر چه بدن متفرق شده یا سوخته شده و یک  
طائفه گفته که بدن را بدون روح سوال کرده شود و جمهور انکار این قول میکنند و ابن جریر  
و غیره میگویند که سوال از روح باشد بغیر بدن فائده بعضی محدثین گفته اند که ملائکه  
سوال جماعت کثیر اند بعضی منکر نام دارند و بعضی نکیه بسوی سهر مرده و کس از ان میفرند  
فائده از تحقیق لمخی مرویست که پنج چیز طلب کردیم در پنج چیز یافتیم ترک گناهان و نماز  
ضحی و روشنی قبر در توحید و حجاب منکر و کثیر در قرأت و آن و عبود از صراط و صوم و سایر غیر



و خلوت فائده و صهبانی از انرا از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که هر که در  
حالت سکر بمیرد داخل قبر شود و در سکر در روایتی از دست که ملک الموت و منکر نکیر را در حالت  
سکر بیند فائده نبرازی از علما حنفیه گفته که چنانکه میت قرار بگیرد آنجا سوال خواهد شد  
اگر زنده خورد در شکم او سوال شود و اگر در تابوت نهاده قتل کرده شود سوال نکرده شود و اگر  
بعد دفن و آتش علم

## باب کسی که سوال نشود و عذاب نباشد

کسی پرسید یا رسول الله چیست که شهید یا در فتنه نمیشود یعنی سوال نمیشود آن حضرت  
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که کافیست برق شمشیر یا بر سرش از فتنه طبرانی از ابی ایوب  
از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که هر که در جنگ کفارتا بت قدم باشد تا که  
غالب شود یا کشته شود او را در قبر فتنه نباشد و در حدیث صحیح آمده که رسول صلی الله  
علیه و آله و سلم فرمود مرا بطی بنی سبیل اند یعنی کسی که بر قره آمدن کفار برای حفظ ملامت اسلام  
نشینند و آنجا بمیرد و عمل او همیشه جاری ماند و ملائکه عمل را باط برای او همیشه می نوشتند باشند  
و از فتنه قبر محفوظ باشد و بعضی از یاده آمده که روز قیامت شهید بر خیزد و این جوهر بر در  
تفسیر از ابن سعور روایت کرده که هر که بر شش سوره ملک خواند از فتنه قبر محفوظ باشد و  
هم چنین اگر کعب احبار از توریت روایت کرده و حدیث برابرین عازب از آنحضرت صلی الله  
علیه و آله و سلم آورده که هر که الم سجد و سوره ملک بخواند از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد  
و آنحضرت فرمودی و غیرهما از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرموده  
که مسلمانی که شب جمعه یا روز جمعه بمیرد از فتنه قبر محفوظ باشد و طبری گفته که چون شهید سوال  
نکرده شود پس صدیق که از او در قدر عالی است بطریق اولی سوال نکرده شود و حکیم ترمذی  
بعد هم سوال از صدیقان تصریح کرده و احادیث را بطی مقتضی هستند که حکم عدم سوال  
در هر شهید است مخصوص نیست بمقتول و معرکه اقول کسیکه بعد نماز برای انتظار نماز دوم  
در سجده شسته باشد رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم در حق او فرموده فذلکم الرابین

وی هم سوال نکرده شود و ابو نعیم از جابر روایت کرده که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم  
 هر که روز جمعه یا شب جمعه میرد از عذاب قبر محفوظ باشد و روز قیامت آید و بروی علامت شهید  
 باشد و در روایتی آمده که از عذاب قبر و فتنه قبر محفوظ باشد و ملاقات کند با خدا و بروی حساب  
 نباشد و روز قیامت آید و با وی شود و باشد که شهادت دهند باب در فطانت  
 و سهولت آن حاکم و غیره از عثمان روایت کرده که بر قبر ایستاد و بگریست تا که ریش و شمشیر  
 و گفت که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که قبر اول منزل از منازل آخرت است  
 هر که از آن نجات یافت بعد از آن ترست از وی و هر که در آن نجات نیافت بعد از وی  
 سخت ترست از وی و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم که ندیده شده هیچ جای خوف تر  
 مگر آنکه قبر از وی شدید ترست و ابن ماجه از برابرین عازب روایت کرده که آنحضرت صلی الله  
 علیه و آله وسلم بر کنار قبرش است و بگریست تا که ریش و شمشیر و فرمود که ای برادران من برای مثل  
 این جاتیاری کنید و این منده از ابن مسعود روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
 فرمود که مسافر اگر فراخ کرده شود آفتد که از اهل خود و دست و احمد و نسائی و ابن ماجه  
 از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که بمیرد و غیر مولد خود قیام  
 کرده از مولد او تا جای قدم او در شب است باشد این منده از ابی هریره روایت کرده  
 از ابن مسعود صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که سلمان و قبر خود و چین سبز باشد فراخ کرده شود  
 قبر او نهتا و فراخ و روشن کرده باشد مانند ماه شب چهاردهم و ابن ابی الدینار و سب بن مینه  
 گفته که عیسی علیه السلام با جو این بر قبری بود و ذکر کرده شد و حشت قبر و نمکی و تاریکی آنرا گفت  
 عیسی علیه السلام بودند شما و تنگ تر از آن در کرم بای مادران خود پس فتیکه خواست خدا فراخ  
 کردن فراخ کرد و ویلی از ابن عباس از انس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم  
 فرمود رحیم تر بودن حق تعالی بر بنده خود وقتی باشد که بنده داخل قبر شود و مرد و مایل او از نو  
 متفرق شوند اقوال الحمد لله که در تنهائی حق تعالی قرین و رحیم باشد شهر جهانی مختصر  
 که در وی + همین جایی من و جایی تو باشد + فصل دهم از علی آنحضرت صلی الله علیه و  
 آله وسلم روایت کرده اول محل آخرت قبر است فرق میکنند در شریف و رزیدل

## باب در ثواب شایع جنازه

ابن ابی الدنیا از جابر بن عبد الله بن صلی الله علیه و آله وسلم روایت کرده که تحفه مسلمان آنست که بخشیده شود کسی که برآید و جنازه او و همچنین روایت کرد ابن ابی الدنیا و بزرگوار هقی از ابن عباس از آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم دو زیاده البواشیخ از سلمان فارسی و حاکم بهیه قح و طبری از ابی هریره و حکیم ترمذی از انس روایت کرده

## باب سابع از نیت قبر و تاریکی قبر

مسلم از ابی هریره روایت کرده که این قبور هستند از تاریکی حق تعالی آزار روشن می کنند بصورت من بروی سخیل که مراد آن باشد که هر که بر من در و فرستد من بروی در و فرستم قبر او روشن شود و طبری از انس روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود خندیدن در مسجد تاریکی باشد و قبر و ابن ابی الدنیا از سری بن مخره روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم بفرمود که اگر اراده سفر کنی البته سامان سفر مهیا سازی پس چگونه باشد سفر راه قیامت ایماگاه نسازم ترا بد آنچه نفع کند ترا از روزگفت آری بفرمای فدایت پدر و مادر من فرمود و سخت گرام روز و شستن برای روز قیامت مفیدست و در تاریکی شب و رکعت گذاردن برای وحشت قبر و ابو نعیم از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه و آله وسلم فرمود هر که صد بار هر روز گوید لا اله الا الله الملك الحق لمبین کان له امان من الفقر یعنی باشد او را امن از فقر و هوس و قبر و کثاده شود برای او درای بهشت و و طبری از ابن عباس روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله وسلم فرمود قسب که عالم بمیر و حق تعالی علم او را صورت دهد که قبر روشن او باشد تا روز قیامت و رفع کند از وی هوا و ارض را و احمد و ابن عبد البر از کعب احبار روایت کرده که حق تعالی وحی کرد به سوی موسی علیه السلام که علم دین بگیر و مردم را بیاورد که من منور کنم علم دهنده و علم گیرنده را قبرشان تا که وحشت نیابند از جای خود و البواشیخ و ابن ابی الدنیا از امام جعفر صادق از پدر از جابر روایت کرده

که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که داخل نکر و بر مردی بر مسلمانان خرمی مگر آنکه بپای سبکند  
حق تعالی از آن خرمی نوشته که عبادت خدا و توحید کند او را و چون آن بنده در قبر شود آید آن سرور  
پس گوید که مرا می شناسی پس گوید که تو کیستی گوید که من آن سرورم که داخل کردمی تو بر مسلمانان  
کس امر و زن ترا آنس می دهد از وحشت تو دمی آموزم ترا حجت تو ثوابت کنم ترا بر قول  
ثابت یعنی بر جواب منکر و نکر و حاضر شوم جای حضور روز قیامت و شفاعت کنم برای تو  
و نمایم ترا جای تو از بهشت و این منده از ابی کابل روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله  
و سلم فرمودند بدان ای ابی کابل آنکه بدستی هر که باز دارد و اید از مردم باشد حق بر خدا که باز  
دارد از وی اید از قبر و ابو الفضل طوسی از عمر رضی الله عنه از آنحضرت روایت کرده که هر که در  
کعبه مساجد را شوی کند خدا در قبر او و هر که خوشبو کند در مسجدی که خدا تعالی در قبر او خوشبو خوشبختی

## باب در حساب قبر

حکیم ترمذی از حدیث روایت کرده که گفت که در قبر حساب خواهد شد هم در آخرت حساب  
خواهد شد هر که در قبر حساب کرده شد نجات یافت و هر که روز قیامت حساب کرده شد  
عذاب کرده شد و احمد از عائشه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرمود  
حساب کرده خواهد شد روز قیامت کسی پس نبشیده شود او را پسند مسلمان عمل خود  
در قبر و این عساکر و تاریخ روایت کرده که گفت قسم کسی که جان من در دست اوست نمیرد  
مردی و در دل او مقدار حبه باشد از دوستی کسی که عثمان قتل کرد مگر آنکه او تاج شود و حال  
را وقتیکه در یابد او را اگر او را در نیابد ایمان آرد بدو در قبر خود

## باب در عذاب قبر

عذاب قبر حق است رواه البخاری عن عائشه رضی الله تعالی عنها عن رسول الله صلی الله علیه و آله  
و سلم درین باب احادیث بسیار وارد شده رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم فرموده اللهم اینی  
اعوذ بک من عذاب القبر رواه البخاری از ابی بریره فرموده هر گاه چون در قبر عذاب کرده

بهاتم از ائمه شیخانو و احمد و ابوعلی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و  
 آله و سلم فرمودند که مسلط کرده خواهد شد بر کافران و فو و نه اثر و اما که بگزند او را تا روز قیامت و در  
 حدیثی احمد از عائشه روایت کرده که فرستاده شود بر کافران و فو و اما که بگزند او را تا روز قیامت و در  
 بگزند او را تا روز قیامت و در صحیحین از ابن عباس روایت که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
 بر دو قبر گذشتند و فرمودند که این هر دو عذاب کرده میشوند و مغذبت نیستند و در کاری بزرگ  
 یکی از آنها از بول تمیزه یعنی احتیاط نمیکرد و دوم میرفت بنیمه یعنی سخن یکی بدگیری میسازد تا در آنها  
 ناخوشی پیش آید پس گفت آنحضرت شاخی تر و آزار دوار کرده و بر هر یک قبر یکی بنهاد و گفتند یا  
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم این کار چرا کردی فرمود که شکی تخفیف شود از آزارها تا که  
 خشک نشوند و این ابی الدنیا یوسفی از میمون روایت کرده که گفت نبی صلی الله علیه و آله و سلم  
 اسی میمون از عذاب قبر بنیاده و بدست سخت عذاب قبر بسبب غیبت و بول می شود و در  
 دیگر چند حدیث آمده عذاب قبر بسبب غیبت و نیمه و عدم احتیاط از بول بیشتر میشود و طحاوی  
 و ابو شیخ اللابن مسعودی از حدیثی روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود  
 حکم شده برای یک بنده که او را در قبر خیزد زده شود پس آن سوال و دعای کرد تا آنکه یک درانه  
 پس بر شد قبر او از آتش پس هرگاه عذاب از وی مرتفع شد بهوش آمد و گفت که هر چه خیر مرا در  
 زود میگفتند که تو غازی وضو گرفته بودی و بر بطونم گذشته بودی و در دگر کاری بطلانم کرده بودی  
 و در بعضی آیات ابن ابی شیبه و غیره آمده که او گفت برای چه مرا در زنده من خود و روح تقوی  
 و شرم و این ابی الدنیا از حسن از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که هر که کسی از صیاب  
 من بگویند باشد حق تعالی مسلط کند بروی جانوری که قطع کند گوشت او را یا بد رو او را  
 تا روز قیامت و ابن عساکر از واثقه بن اسقع روایت کرده که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم  
 که اگر قدری یا مرجه مروه باشد پس اگر بعد از سه روز قرا و ادیده و در پیش روی گوشت از قبله و این  
 ابی الدنیا از ابی یحیی فزاری روایت کرده که مروی پیش او آمده گفت که من کفن فوری میگردم  
 و میدیدم بعضی مردم را برشته روی آنها از قبله ابو یحیی این قصه با و از اعی نوشت او را گفت  
 آن کسانی که مرنند برخلاف مذهب اهل سنت و جماعت و عمر بن میمون فرعون بن عبد العزیز مروی

روایت کرده که من بودم در کسانیکه ولید بن عبد الملک را دفن کردند پس دیدم که هر دو او را  
 اوتاگردان و بسته شدند پس عمر بن عبد العزیز بنید گرفت یعنی قوی کرد و از آنچه مروان بن در حق  
 امیر المومنین علی می گفتند و ابن ابی الدنیا از فضل بن یونس روایت کرده که عمر بن عبد العزیز بن عبد الملک  
 را پسید که پدر ترا و برادر تو ولید را که دفن کرده بود گفت فلان کس معتق من گفت که مرا حدیث  
 کرد و فلان کس که چون بن آنها را در قبر نهادم و رفتم تا که از کفن بکشایم دیدم و می آید که بر سر او

## باب در انقطاع عذاب قبر

عذاب قبر اگر کفار منقطع نمیشود بعضی گفته اند که روز جمعه و ماه رمضان منقطع میشود این فعل  
 مرد و دست از آیات و احادیث این فهم گرفته که عذاب کفار و بعضی مسلمان عاصی در قبر منقطع  
 نشود و بعضی کفار گاران بقدر گناه عذاب شود و بیشتر منقطع کرد و اقوال و هم بدعا و شفقت  
 دیگر مسلمانان منقطع شود و یا فعی گفته که روز جمعه و شب جمعه منقطع باشد تسفی گفته باز عود  
 نکند یعنی عذاب تا یک جمعه شود و اگر شود و لیکن حدیث بران دلالت دارد که زیاده از یک هفته  
 هم عذاب باشد چنانچه در حدیث نهادن حضرت شاخ سنبر بر دو قبر گذرشته آنها از مدتی زیاده از  
 یک هفته مدفون بودند ابو یعلی از انس بهیقی از عمر بن خالد روایت کرده که رسول  
 خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که هر که در جمعه و غیر از عذاب قبر محفوظ باشد

## باب کسی که در قبر عذاب نشود

ترمذی و ابن ماجه و بیهقی از سلیمان بن صوفی و خالد بن غطاس روایت کرده که رسول الله صلی الله  
 علیه و آله وسلم فرمودند هر که از شکم مرد عذاب قبر نگذرد و یعنی از جریان شکم از ابن مسعود و ابن  
 عباس و غیره بچند طرق مرویست که خواندن سوره ملک هر شب از عذاب قبر نجات  
 میدهد صحابه و در عهد رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم سوره الملک را مانع از عذاب قبر میکنند  
 و در امی از خالد بن سعدان روایت کرده که الم تنزل السجدة از طرف صاحب خود و تسبیح مجادله  
 خواب کرد و خواب گفت آه ای اگر من از کتاب تو ام شفاعت من قبول کن و اگر نه مرا از کتاب خود و

کن مانند پنده مرده را زیر بازوهای خود گیر و شفاعت کند و از عذاب قبر محفوظ دارد و همچنین  
 تبارک الملک و داری و ترندی از جابر روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نمی  
 تا که سوره الم تر قبل و سوره ملک نمیخواند آیههای در ترغیب از بن عباس روایت کرده که  
 رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که شب جمعه بعد مغرب دو رکعت نماز گذارد و هرگز  
 فاتحه یکبار و از زلزله الارض بازده باز خواند سکر موت بروی آسان شود و از عذاب  
 قبر محفوظ باشد و گذر بر اطراف قیامت آسان شود و رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که  
 آیه الکرسی بعد نماز خواند هیچ چیز او را از دخول جنت مانع نباشد مگر موت این حدیث را  
 نسائی و ابن حبان و ابن مردویه و دارقطنی از ابی امامه هقی از علی و از حدیث صلصال  
 بن الداهس روایت کرده فصل طبرانی و صهبانی از ابن عمر روایت کرده که رسول الله صلی  
 الله علیه و آله و سلم فرمود بر اهل لاله الا الله وحشت نباشد نه وقت مرگ و نه در قبر و نه در  
 وقت بعثت اقول این حدیث اگر بمجموع نوشته شود گفته شود که بر قدر که وحشت کفار را  
 باشد البته مسلمانان نباشد و نفی مطلق وحشت نتوان کرد بسبب تقاض دیگر احادیث  
 که بر عذاب قبر عصاة مؤمنین دلالت دارد و ظاهر آنست که مراد از اهل لاله الا الله کسانی  
 که بقبضه و بقاء مشرف شده اند در ساحت سینه شان غیر ذات پاک هیچ مقصود نماند چه اگر  
 عبادت عبارتست از کمال تامل پیش معبود و شک نیست که هر چه مقصود کسی باشد که پس ای  
 حصول مقصود خود کمال تامل اختیار می کند پس هر چه مقصود اوست معبود اوست معنی  
 لا مقصود الا الله و لا معبود الا الله یکی می رسد و چون مقصود او جز ذات پاک چیزی نماند از  
 رتبه ماسوی انداز او شد و از شرک خفی پاک شد و او را در حالت حیات انس و محبت با خدا  
 باشد نه با هیچکس پس ای را خلوة در انجمن بهم رسد یعنی با وجود و یکدیگر و با خدا باشد باطنش مشغول  
 است بخدا نه بکسی دیگر لایون احد کم حتی کیون الناس عنده کالاباع یعنی ایمان کامل نمیشود  
 تا که مردم نزد او شایسته باشند یعنی با هیچکس سروکار نداشته باشد پس این چنین کس که انبوه  
 او را مانع خلوت نیست اگر چه گاهی انبوه موجب تشویش میشود و او را در تنهایی بطریق اولی  
 انسست پس او را در قبر جدا نمی مردم چرا وحشت باشد بلکه زیاده تر لذت و انس باشد



رباعی آنکس که ترا شناخت جان آفریند و خیال و خیال را بچکند -  
 دیوانه کنی هر دو و جانش بخشی + دیوانه تو هر دو و جانش را بچکند + پنجین کسان بهشت را به حسب  
 نمیکند مگر برای آنکه مرضی خداست و ویران ویدار خداست و اما سوره طلب و چنانچه  
 مولوی روم می فرماید شعر چون طمع خواهد ز من سلطان دین + خاک بر فرق قناعت  
 بعد ازین + اللهم از قناعت حب و حب من بحک و حب سل یقرنا الی حبک باب و سوره  
 بیان آنکه انبیا و اولیا و رقبور خود نماز و ذکر خدا مشغول و متلذذ باشند و در صحیح مسلم  
 از انس مرویست که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و شب معراج گذشت بقیه سوره علیه  
 السلام و او رقبور خود نماز میخواند و ابوعبید از این را آنحضرت روایت کرده صلی الله علیه و آله  
 و سلم که انبیا زنده اند و رقبور خود نماز میخوانند و ترندی و حاکم و غیره از ابن عباس روایت  
 کرده که بعضی اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بر قبر خیمه زد و نمیدانست که آنجا  
 قبر است ناگاه آنجا انسان بوسه و ملوک خواند آن صحابی با آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم  
 خبر کرد و آنحضرت فرمود که این سوره مانع است و نجات دهنده از عذاب قبر حافظ زین الدین  
 گفته که حق تعالی بعضی از اهل برنج کرامی میکند با اعمال صاحبکار چنان عمل او را ثواب باشد  
 که عمل از موت منقطع شده لیکن عمل او برای آنست که نعم و تلذذ نکند بکر خدا چنانچه  
 ملائکه و اهل بهشت نعم و تلذذ کنند بکر خدا چه نفس ذکر از نعیم دنیا بهتر است اقول نفس الذکر  
 از نعیم حیات هم بهتر است پس قول او که ثواب نباشد بجایست نمی بینی که عوام از سر و دو  
 شعر لذت میکنند و خط می بردارند از آن سبب که در آن ذکر محسوبست خواص که محبوب  
 نشان جز حق جل و علانیت لذت و خط ایشان از ذکر خداست لا غیر خلائی در حق ضعیف  
 روایت کرده از ابن عباس که مسلمان امصحف داده میشود و قبر تا که بخواند فصل در این  
 ابی الدنیا از یزید رفاشی روایت کرده که مرار رسیده است که مسلمان اگر مرد و حالیکه بعضی  
 قرآن بخواند حق تعالی فرشتگان را فرستد تا که آنچه از قرآن باقی مانده او را بخوانند و همچنین از  
 حسن و عطیه عوفی مرویست فصل ابن ابی شیبه و یصنف از ابن سیرین روایت کرده  
 که دوست میداشت که مرده را کفن نیکو داده شود و می گفت که مردگان با هم در کفن خود

ملاقات و زیارت هر یک میکنند و همچنین ابن عباسی از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده مرفوعاً و عقلاً و خطیب از انس و همچنین ترمذی و غیره از ابی قتاده و مراد از نیکو کردن کفن آنست که از حلال باشد و موافق سنت باشد و سفید پاک و پاکیزه نه آنکه مشیت باشد ابو بکر صدیق چاکر کهنه برای کفن خود داده و مرده که برای پاره چاقو زنده مستحق ترست

## باب زیارات قبر

ابن الدنیا از عائشه روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند نیست مردی که زیارت کند قبر برادر خود را و نشیند آنجا و سلام گوید مگر آنکه مرده جواب سلام او میدهد و همچنین بهیچمی غیر از ابی هریره روایت کرده مرفوعاً و موقوفاً در صحیح مسلم از ابی هریره مرویست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم بسوی رقبه برآمد سلام علیکم و ارقوم مؤمنین و انا انشاء الله علیکم لاحقون گفته و از عائشه مثل آن فریاده کرده بر حرم الله تقدیم مناولت آخرین و نسائی و ابن ماجه از بریده از آنحضرت همچنان روایت کرده و بعد لاحقون فریاده کرده انتم لنا فوط و نحن لکم تبع اسال الله لنا و لکم العاقبه و ترمذی از ابن عباس طبرانی از علی بن جوان و ابن ابی الدنیا از ابی هریره روایت کرده که هر که داخل مقابر شود و برای آنها از خدا طلب مغفرت کند و بر آنها رحمت کند گویا که نماز حباره آنها گزارد

## باب معتر اروح

در جامی قرار اروح روایات مختلف آمده مالک و نسائی بسند صحیح از کعب بن مالک روایت کرده که فرمود رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که روح مسلمانان پزنده است معلق باشد در درخت جنت تا که رجوع کند بسوی جسد و روز قیامت و احمد و طبرانی از امام ابی از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم و همچنین روایت کرده و همچنین ابن عساکر از ام شیرازة ابی معروف و ابن ماجه و طبرانی در روایتی از امام بشیر آورده که شنیدم از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم که میفرمود روح مؤمن پزنده است میسر کند و هر شب هر جا که خواهد روح کافر در جبین است و طبرانی و غیره

از حمزه بن حبیب از آن حضرت <sup>ع</sup> روایت کرده که روح مومنان بر پرده منبر باشند بکشد  
در شبست هر جا که خواهد و ارواح کفار مجوس اند و بحین در بعضی احادیث در حق شهدا آمده روح  
شهدا در شکم پرده منبر باشد که بچند روزی حجت هر جا که خواهد و جای گیر و در قندیلها زیر  
عرش همچنین مسلم از ابن مسعود از آن حضرت <sup>ص</sup> علی <sup>ع</sup> السلام علیه و آله و سلم آورده و ابو داود و دو حاکم  
و غیره از ابن عباس از آن حضرت <sup>ص</sup> علی <sup>ع</sup> السلام علیه و آله و سلم در حق شهدا را حد آورده و تقی بن  
محمد از ابن سعید خدری از آن حضرت <sup>ص</sup> علی <sup>ع</sup> السلام علیه و آله و سلم نحوه و بنادین سری از ابی سعید  
نحوه و ابوالشیخ از انس روایت کرده که حق تعالی شهدا را در شکم پرندگان سفید و قندیلها  
معلق بعرش گرداند و ابن منده از ابن شهاب بلاغا گفته که ارواح شهدا مانند پرده منبر معلق  
بعرش باشند و ابن ابی حاتم از ابی الدرداء آورده که گفت ارواح شهدا پدید میروند و قندیلها  
معلق زیر عرش باشند بکشد و در چنپای بهشت هر جا خواهند و صحیح بخاری از انس مرویست  
که رسول الله <sup>ص</sup> علی <sup>ع</sup> السلام علیه و آله و سلم در حق حارثه بن عرقه که شهادت داده که او در فرس  
اعلی است و این احادیث که در حق شهدا واروده دلالت ندارد بر آنکه سوای شهدا کسی  
دیگر باین مرتبه نباشد انبیا و صدیقین از شهدا بر فضل اند و احادیث متقدمه دلالت دارند  
که ارواح مومنان در شبست باشند و ان تخصیص شهدا نیست و دیگر احادیث در حق اطفال  
مسلمین واروده اند که در شبست باشند احمد و حاکم و ابو داود و غیره از ابی هریره روایت  
کرده که رسول الله <sup>ص</sup> علی <sup>ع</sup> السلام علیه و آله و سلم فرمودند که اولاد مومنین در کوهی باشند و در شبست پرورش  
کنند آنها را بر اسم علی <sup>ع</sup> السلام و ساره رو کنند آنها را بسوئی تا بایشان روز قیامت و از خالد بن  
معدان آمده که از بنی ثعلبه شنید و سعید بن منصور از کحول از آن حضرت <sup>ص</sup> علی <sup>ع</sup> السلام علیه و آله و سلم  
مسل روایت کرده که ذریه مومنان و عصفورهای منبر باشند در شبست و ابن ابی شیبه و بیهقی  
از ابن عباس از کعب روایت کرده که در شبست در پرده منبر ارواح شهدا باشند بکشد در شبست  
و ارواح اطفال مسلمین و عصفورهای در حجت باشند و ارواح آل فرعون در پرده سیاه صبح  
و شام پیش آورده شوند بر دوزخ و همچنین بنادین سری از نهیل روایت کرده و چون اطفال  
مسلمین که بیست و هفت آبار و اموات مسلمین طمأنند و در شبست باشند پس گفتم که بصلح

و تقوی آراسته باشند بطریق اولی در بهشت باشند این اعادیت معلوم میشود که ارواح منین  
و بهشت باشند و ارواح کفار در دوزخ لیکن چون در قرآن و حدیث غالباً ذکر مومنان کا و نه  
آمده مومنان کامل مرادند و عصاه مومنین و رقاب که کفارند کور نشده اند پس این احادیث  
را بر مومنان کامل حمل باید کرد و آن چهار گروه اند انبیین الصدیقین و الشهداء و الصالحین  
مراد از صالحین اولیاء الله اند که قلوب شان از اشتغال با سوسى الدنيا پاک گشته صالح تجلی  
الهی گشته در حق آن رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمودان فی قلب نبی آدم لمضغه اذا  
صلحت صلح الجسد کله و اذا فسدت فسد الجسد کله الا و هی القلب یعنی در بدن انسان مضغه  
گوشت است اگر صالح شد تمام بدن صالح شد و اگر فاسد تمام بدن فاسد شد آگاه باش که  
قلب است و نفوس شان از ذرایع صفات پاک گشته از اهورا باطله استغفار کرده بخصیات  
الهی طمینان پذیرفته حق تعالی در حق وی سیر نماید یا ایها النفس المطمئنة ارجی لی ربک  
راضیه مرضیه فاضلی فی عبادی و اذلی جنی یعنی سوای آن چهار گروه هر کس را خدا خواهد  
باین بزرگان ملحق سازد که حق تعالی سیر نماید و من طبع الله و الرسول فاولئک مع الذین  
انعم الله علیهم من انبیین و الصدیقین و الشهداء و الصالحین و حسن اولئک رفیقاً و بعضی  
احادیث دلالت دارند که جای قرارشند بیرون بهشت است چنانچه احمد و طبرانی و ابن  
ابی شیبه بسند حسن از ابن عباس روایت کرده که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود ارواح  
شهدا بر بنری بر دروازه بهشت در قبه منبرست برآید بسوی آنها رزق از جنت صبح و شام  
و مہان بن سری و ابن ابی شیبہ از ابی بن کعب روایت کرده که شهدا باشند در مہانبیرون یک  
بهشت فرستاده شود بسوی آنها مایه و کاد و باهم نلاطم و عمر اک کنند و شهدا بر آنها  
بازی کنند و قتی که خواهند یکی از آنها و دیگری را بکش پس بخورند آنرا و لذت ببرند و در جنت است  
انزان یا بند و آدم بن یاسر از مجاهد روایت کرده که بیرون جنت باشند و سیوه جنت و  
بوی آن بانها رسد این احادیث در قوت مثل احادیث سابق نیستند و محتمل که بعضی شهدا  
بیرون جنت باشند چنانچه در احادیث شهدا چند مرتبه فرمود مودی صالح جید الا یا خالصاً  
تد شہید شد مرتبه او محلی است اینا بروی بدرجه نوبت فضل دارند و مودی است که عمل صالح

و غیر صالح میکند شهید شد گنا باری و بخشیده شود لیکن از دخول جنت دین یا چیزی دیگری  
 از حقوق الناس و رمانع شود چنانچه مسلم از ابی قتاده و عبد الله بن عمر بن عاص روایت کرد  
 که آنحضرت فرمود که شهید را همه گنا باری بخشیده شود مگر دین حیرت انگیز من نهین وقت گفته و  
 بعضی احادیث و لایات دارند که ارواح مؤمنین در آسمان هفتم باشند و منازل خود که در  
 بهشت اند می بینند این چنین ابو نعیم بسند ضعیف از ابی هریره روایت کرده و دو هفت بن  
 منبه گفته که در آسمان هفتم خایست که آنجا ارواح مؤمنین جمع میشوند هر که می میرد آنجا  
 میرود و ارواح سابق از وی اخبار دنیا می پرسند و سعید بن منصور از سلمان فارسی  
 روایت کرده که روح چون از بدن خارج شود در میان آسمان و زمین می باشد و این مبارک و  
 حکیم ترمذی و ابن ابی الدنیا و ابن منده از سعید بن سید بن سلمان روایت کرده که ارواح  
 مؤمنین در برزخ باشند از زمین سیر کنند هر جا که خواهند نفس کافر و سجین این جا  
 و اقوال اگر بدرجه صحت رسد محمول بر آن باید کرد که بعضی مؤمنان عال شان گفت  
 مساعدت کنند که داخل بهشت شوند و آسمان هفتم باشند بعضی از آنها آنچنان باشند که  
 از آسمان برتر توانند رسید و میان زمین و آسمان باشند لیکن مجبوس بدو نب چندان نباشند  
 قدرت سیر داشته باشند و بعضی دیگر که بدو نب سیر باشند قدرت سیر نداشته باشند بطریق  
 از انس و ابی هریره روایت کرده که جنازه آمد رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسید که برین دین هست  
 گفتند هست فرمود نماز من نفع نخواهد کرد و مجبوس باشد و قبر روح او بسوی آسمان  
 صعود میکند اگر کسی زمین رضامن شود نماز خوانم و ترمذی و ابن ماجه و غیره از ابی هریره  
 روایت کردند که روح مؤمن مجبوس باشد تا که دین او انشود و همچنین از آنحضرت از برادر  
 بن عازب طبرانی روایت کرده که مدیون مجبوس باشد شکایت تمنائی خود کند پیش خدا  
 و برادر طبرانی از ابن عباس روایت کرده که آنحضرت فرمود که اینجا کسی از ذلیل هست یا  
 شما بدو از بهشت مجبوس است عوض دین اگر خواهند دین او او کنند و اگر خواهند  
 او را العذاب خدا بسیار پس کسی هست که سبب بین یا مانند آن داخل بهشت نتواند شد  
 یا بدو از بهشت نتواند رسید یا از آسمان برتر نرود یا بدو قبر مجبوس باشد و ارواح کافران

همه شان در سجن زیر زمین هفتم جایگاه دوزخ است مجوس باشند و صبح و شام بدوزخ پیش  
 آورده شوند انرا بر خضون علیها غدا و او عشا و یوم تقوم الساعة او خلوا ل فرعون اشد  
 العذاب درین احادیث باین وجه تطبیق داده میشود لکن دیگر احادیث دلالت دارند که  
 ارواح مؤمنین و کفار همه شان در قبور آنها هستند چنانچه حدیث طویل بر این غایب گشته  
 که روح مؤمن با فرشتگان آسمان هفتم رسانند حکم شود بنویسید کتاب بنده من و علین و با  
 برید و اسبوی زمین که از زمین پیدا کرده ام و باز در وی گردانم و باز از وی بیرون آورم  
 پس داخل کرده شود روح و جسد او و دیگر احادیث هم باین معنی دلالت دارند تا آنکه ارواح  
 انبیاء هم در قبورشان باشند رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم موسی علیه السلام را در شب  
 معراج دید که در قبر خود نماز میخواند و رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود هر که درود فرستد  
 بر من نزد قبر من بشنوم آنرا و اگر از دوزخ فرستد سیانده شود من بنا بر اختلاف روایات اول  
 علما درین باب مختلف اند این عبد الله گفته که این احادیث اخیر اصح اند و احادیث سواد  
 منکر و نیکو نمودن مرده را امکان او و بهشت یا دوزخ و عذاب قبر و ثواب و دران و زیارت قبور  
 و سلام بران و خطاب نشان مانند خطاب حاضر عاقل دلالت بر همین دارند که ارواح شان  
 در قبورشان باشند و تسخیری در بحر الکلام گفته که ارواح انبیاء چون از جسد بیرون میشوند صورت  
 شان از مشک و کافور باشد و در بهشت باشند بخورند و بنوشند و تنعم کنند و شبانگاه و  
 قنایل زیر عرش جاگیرند و ارواح شهدا و شکر پرانده بنور بخورند و بنوشند و تنعم نمایند شبانگاه  
 و قنایل زیر عرش باشند و ارواح دیگر مردم طبع از مومنان برین نزدیک بهشت باشند  
 آنها را خوردن و تمتع نباشد مگر آنکه بنشینند بهشت را و ارواح مومنان عاصی در میان آسمان  
 و زمین باشند در میان هوا و ارواح کفار در سجن باشند و شکم جانوران سیاه زیر زمین  
 هفتم و آنها را بوجی اتصال باشد با جسد او و روح را عذاب شود و جسد او را در دوزخ چنانچه  
 آفتاب بر آسمان است و نور وی در زمین و حافظ ابن حجر عسقلانی رحمه الله علیه میگوید  
 که ارواح مسلمانان در علیین و ارواح کفار در سجن و هر یک روح را با جسد خود اتصال  
 باشد معنوی که مثلاً به آن اتصال نیست که در حیات دنیا بود بلکه اگر مشابیهت داده شود

سجال خفته و او دشو و لیکن این اتصال از اتصال خفته قوی تر است شیخ جلال الدین سیوطی  
 گفته که باین تقریر آنچه در احادیث آمده که جای و ایشان در عین صحن است و آنچه ابن عبد البر  
 از ابو بکر نقل کرده که نزد یک قبور اندر جمع میشود و فقیر و بنی قاص جمع بین الاحادیث و ان می بیند  
 که ملائکه چون روح مومن قبض کرده بسوی آسمان می برند بالای آسمان هفتیم می بیند از اینجا حکم  
 می شود که نامه او در عین نبولیند و از باز بسوی زمین برند که او را از جهان پایین پیدا کرده اند  
 و باز بسوی عالم سازم و باز از اینجا بیرون آرم پس روح را داخل جسد آن کنند و سوال منکر  
 و منکر شود و انبیا و کسی که مشابیه نامه با انبیا هم رسانند نشان آنها از سوال ارفع است و بعد  
 سوال چون بر جواب حق ثابت شود حکم شود که برای او فرش کنند از بهشت و پوشاک  
 دهند از بهشت و بکشایند برای او و درازه بسوی بهشت آنگاه روح او صحو کند به جهان  
 که از قبر بهشت باشد بسوی بهشت ارواح انبیا و شهیدان و صدیقان و اولیا در آن  
 بهشت باشند و هر جا که خواهند سیر کنند و بخورند و بیاشامند و زیر عرش جاگیرند و در عین و  
 اعلی عین هر یک حسب مراتب خود باشند و دیگر مومنان اظهار رسالتی تا اینجا نباشند  
 تا آسمان هفتم باشد و عصاه مومنین را تا که مغفرت و نوب و ست نماید از آسمان ترقی می شود  
 در میان آسمان زمین باشند و در زرخ زمین سیر نمایند بلکه در حالت پابندی مواصی بعضی را  
 از قبر ترقی نشود و مجبور باشند و کفار را که ارواح قبض کرده بر بند و رای آسمان برینا مفتوح  
 نشود و نامه او در صحن نوشته شود و او را با نماز و روح و جسد او داخل نشود و از اینجا برای او  
 رای بسوی دوزخ کشاده شود و از آن راه روح او را به صحن رسانند و صبح و شام بر دوزخ  
 عرض کرده باشند و بر بودن ارواح شته او صلی و بهشت و دالت دارد و قوله تعالی قیل ارجع  
 الیه قال یا لیت قومی یعلمون یا غفر لی ربی و جمعی من المکرمین که در حق حبیب بخار  
 سنت و انبیا و صدیقان افضل و اشرف اند از شهدا لیکن چون برای از قبر نشان داشت  
 حق سبحانه تعالی مسلوک و نیز نزدیک ساخته است هر گاه کسی زیارت قبر کند یا سلام گوید  
 یا خطاب کند و طرفه اعرین اینجا حاضر شود و جواب سلام گوید پس بدین رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم موسی علیه السلام را در شب معراج در قبر در نماز و باز بر آسمان ششم در



همان شب بهین سبب رسول کریم صلی الله علیه و سلم در شب سراج ارزین تاسع  
 است بهیچنجه الماوی رفت و چه قدر سید و احکام پیش آمد و باز برین تشریف آورد  
 و سبب بنور که م بود و بعد مردن هر خیر روح را با حسب تقسیم اتصال نباشد که در حالت زندگی  
 چنانچه قوله تعالی المدیق فی الانفس صین موتها و التي لم تمک فی منامها فیسک ایته  
 قضی علیها الموت ویرسل الخری الی اجل مسی و لالت بران دارد لیکن لهسته علاقه  
 باقی می ماند که از ان اوارا که راحت و رنج کند و قطع نظر از ان اگر روح علیده مغدب باشد  
 و جسد علیده مغدب باشد این هم ممکن است و جسدی روح هر چند نزد عوام احساس لذت  
 و الم ندارد لیکن از شرح ثابت است که عند المد حساس دارند آتینا طالعین قراوت لرهها  
 و حقت و یومئذ یحدث اخبار انصوص قرآنی است و در حدیث آمده که یک کوه کوه دوم  
 را میگوید که کسی بر تو ذکر کنند هم گذشت است اگر گوید آری خوش میشود و قوله تعالی  
 انما عرضنا الامانه علی السموات و الارض الایه و قوله تعالی ان من شی الایسج بحره و قوله  
 تعالی فاما کبت علیهم السام و الارض و حدیث کرستین آسمان و زمین بر موت مسلمان و  
 خوش شدن زمین از دفن مسلمان و ابا کردن از دفن کافر و لالت دارد برین مدعا مگو  
 روم سیفر مایه شحر آب و باد و خاک آتش بنده اند و پیش مامده با حق زنده اند فامده  
 حق تعالی و روحی شهید امیفر مایدل اجیا عند ربهم قول مراد شاید آن باشد که حق تعالی  
 ارواح شان را قوت جدا میدهد هر جا که خواهند سیر کنند و این حکم مخصوص شد نیست انبیا  
 و صدیقان از شهید افضل اند و اولیا هم در حکم شهید اند که جبار باطن کرده اند که جبار اکبر است  
 و جبار من الامام و الاصفی الامام و الاکبر از ان کنایت و لهذا اولیا را الله گفته اند ارواحا اجسادا  
 اجسادا و ارواحا یعنی ارواح ماکا اجساد می کنند و گاهی اجساد از غایت لطافت بزرگ ارواح  
 می براید و میگویند که رسول خدا را سایه نبو صلی الله علیه و سلم ارواح ایشان در زمین همان  
 و پشت هر جا که خواهند میروند و دوستان و معتقدان را در دنیا و آخرت مدوکاری می فرمایند  
 و دشمنان را هلاک می نمایند از ارواح شان بطریق اوستیه فیض باطنی میرسد و سببین حیات  
 اجساد آنها را و قهر خاک نمی خورد بلکه کفن هم می نماید این ابی الدنیا از مالک روایت کرده ارواح

مؤمنین هر جا که خواهند گسختند مراد از مؤمنین کاملین اند و حق سبحانه تعالی اجاب و ایشان را قوت ارواح میدهد که در شب و روز نماز میخوانند و ذکر میکنند و قرآن میخوانند حضرت مجید رضی الله عنه فرموده که حق تعالی بعضی را بپایا راجع و محبوب میدهد و این حکم در حق شماست از حدیث ثابت است که آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرموده وقتیکه انسان شهید میشود حق تعالی جسد نازل میکند برین صورت و گفته میشود روح او را که درین بدن داخل شود پس می بیند جسد اول آنچه با وی کرده میشود و سخن میکند و گمان می برد که مردم سخن او را می شنوند و گمان می برد که مردم او را می بینند تا که می آیند از و اج او و عین پس او را پاره خود میزند این حدیث را ابن منده مرسل وایت کرده

## باب اعمال زندگان بر اقربای مرده عرض کرده میشود

احمد و غیره از انس روایت کرده که رسول صلی الله علیه و آله و سلم اعمال شما بر اقربای شما که مرده اند ذکر کرده میشود و اگر اعمال خوب می باشند خوش میشوند و اگر بد می باشند ناخوش میشوند و میگویند که الی آنها ان فی ان ملک روایت کنی و همچنین طایلسی ز جابر بن عبد الله و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از ابی الیوب روایت کرده و درین باب احادیث از نعمان بن بشیر و ابی هریره و ابی الدرداء و غیره روایت یاب ارواح مومنان در خواب عروج میکنند تا عرش و عروج عرش ظاهر امر او ارواح مومنان کمالان است از انبیا و اولیا چون شیاطین را در خوابهای انبیا داخل نمکن نیست خوابهای شان داخل محبت و عروج ارواح اولیا تا فوق آسمانها میشود خوابهای شان اکثر صادق میباشد و چون عروج ارواح عوام بالای آسمانها نباشد خوابهای شان اکثر باطل میباشد و خوابهای اولیا که از زیر آسمان بنیدگاه خط شیاطین میشود از علی رضی الله عنه روایت کرده شده که سرک را صلی الله علیه و سلم فرمود مردی از من چون خواب میکند روح او بسوی عرش صعود میکند و آنجا در آسمانها آنچه در خواب می بیند آن خواب صادق میباشد و چون از آنجا باز می آید و زیر آسمان می بیند شیاطین بر ملاقات میکنند و ترویج میکنند آن خواب کاذب میباشد

یوسفی از عبد الله بن عمرو بن العاص روایت کرده که ارواح می دهند بسوی آسمان و امر کرده  
 میشود بسجود نزد عرش پس هر که پاک میباشد سجده میکند نزد عرش و هر که پاک نباشد سجده  
 نمیکند بعد از عرش و این مبارک از ابی الدرداء روایت کرده که روح آدمی در خواب خروج  
 میکند بسوی عرش پس هر که پاک میباشد از آن میشود و او را بسجود و اگر محجوب باشد از آن نکرده  
 شود بسجود **باب** در آنچه مرده را از زندگان بیا میسر است طبرانی و حاکم از عماره بن نسیم  
 روایت کرده که مراد رسول الله صلی الله علیه و سلم بر قبری نشسته و دیده مرده که از قبر فرود آید  
 اندک آن صاحب قبر را و او ترا اندک کند و بخاری از عائشه روایت کرده که فرمود رسول الله صلی الله  
 علیه و آله و سلم مرگانه را بگویند بدستی که آنها رسیدند بدینچه کرده بودند و در روایت ابن ابی لیلیه  
 آمده یا نکنید مرگانه را گزینید اگر آنرا از اهل بهشت اندکند کار خواهید شد شاگرد آنرا از اهل دوزخ  
 بسست آنهارا آنچه در آن هستند نسائی از صفیه بنت شیبه روایت کرده که بحضور آنحضرت  
 صلی الله علیه و آله و سلم مرده را بدی پای کرده آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که خبر کنید  
 یا نکنید و ابوداود و ابن حجر روایت کرده آنحضرت فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که نیکیهای مرده  
 اگر کنید و بدیها را نکنید و این ابی شیبه از عقبه بن عامر می آید آورده که گفت که اگر قدم منم بر  
 آتش یا بر شمشیر است نزد من از آنکه قدم منم بر قبر قصار حاجت کردن و تقارب و در مبارزه  
 مخصوصا و بیان یکسان میدانم و این ابی الدیار روایت کرده که سید بن عفرانه در مقبره بول نکرده  
 گفت چای میکنم از مرگانه چنانچه از زندگان میکنم و سعید بن منصور و ابن ابی شیبه از ابن مسعود  
 روایت کرده که پرسیده شد از پایال کردن قبر مرده که چنانچه از اجداد من و حیات مکرده میدانم  
 همچنین اندازی او بعد موت مکرده میدانم **فصل** رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده  
 المسیت یغضب بکبار اهل علیه یعنی مرده عذاب کرده میشود بسبب گرسنتن و نوحه کردن اهل او  
 بروی این حدیث را بخاری از عمر بن خطاب و ابی بکر صدیق و ابی هریره و ابن جابر  
 از عمران بن حصین و انس و طبرانی از سمرة بن جندب و ابن منده از مغیره بن شعبه و ابن سعد  
 از ابن عمر روایت کرده و در صحیحین از عائشه روایت کرده که پیغمبر خدا چنین نفرموده است  
 که هر مرده بسبب فقر اهل او مغذوب باشد بلکه این حدیث در حق مرده کافرست یا در حق

کسی که بسبب دیگر گناهان مغذبت است آن حضرت فرموده که اهل بیت بریت گیر و نوحه نکنند  
 و او عذاب کرده میشود و معنی حدیث سابق بهین معنی فرمود آورده و قوله تعالی لا تترکوا و اقرءوا و تر  
 آخری یعنی برنی دار و یکس گناه دیگری را دلالت دارد که یکس بسبب گناه دیگری را خود نخواهد  
 شد لهذا علما حدیث سابق را تا اول میکنند بعضی او را میگویند چنانچه عاقل گشته معنی محمول  
 است بریت کافر یا فاسق و بعضی میگویند مراد از بیت کسی است که عادت او نوحه بود یا  
 کسی که بهر وجه وصیت کرده امام بخاری یا معنی قائل گشته و بعضی میگویند که مراد کسی است  
 که میدانند که بعد از اهل بیت نوحه خواهند کرد و او از آن منع نکرده و بعضی میگویند که مراد از تعذیب  
 توبیخ بلکه است بدینچه اهل و ندب میکنند تندی و حاکم و ابن ماجه روایت کرده که رسول فرمود  
 صلی الله علیه و آله و سلم که هر که بمیرد و ندب کند و روی بگوید و جبلا و سیداه و مانند آن و  
 نوشته و رسیده و نرشد و بگوید یا آخین بودی گوئیم اگر میت نبوده و ندب نباشد حتی  
 این توبیخ هم نباشد و بعضی میگویند که میت متالم در سجده میشود از آنچه اهل او میکنند  
 طبری و ابن ابی شیبہ از فیصله بنت مخمره روایت کرده که وی ذکر کرده نزد رسول صلی الله  
 علیه و آله و سلم فرزند خود را که مرده بود پسر بگریست پس فرمود رسول صلی الله علیه  
 و آله و سلم آیا غالب میشود بر یکی از شما که صحبت دارد با دوست خود و دنیا بخوبی قوت میکند  
 انا الله و انا الیه رجعون گوید قسم کسی که جان محمد و دوست اوست بدستی که یکی از شما گریه کند  
 پس میکند بسوی منی دوست او پس ای بندگان خدا عذاب نکنید مرده خود را این قول ابن  
 جریر و ابن تیمیّه و اکثر ائمّه احتیاط کرده اند سعید بن منصور روایت کرده که ابن مسعود زمان را  
 که در خانه دیده فرمود با گروهی از زنان یعنی بار بردارنده گناه غیر باجوات بدستی که در  
 فتنه میگردانند زندگان را و انداخته میگردانند و یکی بن سعید از حسن بصیرت  
 روایت کرد که بدترین آدمیان اهل بیت است و بی گریه میکنند و این نمیکنند

## باب در چیزی که میت اقرار و نفع کند

ابو نعیم از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه و سلم وقتی که بنده مومن

می میرد و فرشته یعنی کاتبان اعمال او بسوی آسمان صعود میکنند و میگویند ای پروردگار  
مرد اموی کرده بودی برای نوشتن اعمال او و او قبض روح کردی پس این فرمان تو را که در آسمان باشیم  
حکم شود که آسمان من پرست از فرشته گان من تسبیح میکنند برای من پس بگویند که اذن فرما  
که در زمین باشیم پس فرماید که زمین من هم پرست از خلق من تسبیح میکنند لیکن شمار پرست  
همان بنده من است و او باشد و تسبیح و تکبیر من گنجه باشد تا روز قیامت و آن را  
برای بنده من نبوی صلی الله علیه و آله است که این حکم برای من کمال است که چهار فریق اند و این  
الحی الدنیا و البغیم در حدیث ثابت بنانی روایت کرده که چون سلمان در قبر نهاده شود اعمال  
صالحه او را حاطه کنند و آید فرشته عذاب پس بعضی اعمال او بگویند و در شوازی اگر نمی بود  
او را بنجر من تا به نرسیدی تو اوی و در صحیحین از انس است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم  
و قتیکه کسی مروتی چیز بی روی او میکنند اهل و مال و عمل و چیز باز میگردند و عمل نژوی باقی میماند  
و این ابی الدنیا از نریدین منصور روایت کرده که مردی که قرآن میخواند وقت مرگ چون ملائکه  
عذاب حاضر شدند تا قبض روح کنند قرآن برآمد و گفت ای پروردگار مسکن من است که در این  
مرا مسکن کردی حق تعالی فرمود بگزارید برای قرآن مسکن او را و همسانی از ابی منال روایت  
کرده که هیچ رفیق در قبر محبوب بسوی مرده از استغفار کشتی نیست و در صحیح مسلم از  
ابی هریره روایت است که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم و قتیکه انسان مرد عمل انقطع شد مگر آنچه  
یکی صدقه جاری یعنی وقف دوم علم که مردم از وی نفع میگیرند یعنی مردم بعد مردن از علوم  
او منتفع میشوند یعنی تلاذ که گذشته بایست تصنیف کرده گذشته ستودم او را و صالح که برای  
او و عا کنند و احمد از ابی امامه حضرت صلی الله علیه و آله وسلم چهار چیز آورده چهار شخصی که بر ط  
ست در راه خدا یعنی برای محافظت اهل اسلام بر او عبور کفار و نیت جهاد شسته بود و مرد  
عمل او هم بعد موت جاری باشد و این ماجه و ابن خزمیه از ابی هریره روایت کرده که رسول  
فرمود صلی الله علیه و آله وسلم آنچه مسلمان بعد موت او از حسنات او میرسد علم است که پیر  
کرده یا ولد صالح گذشته یا مصحف گذشته یعنی تمام مردم در آن تلاوت کنند یا مسجد یا  
مسافر را بنا کرده یا نه جاری کرده یا صفت و حالت صحبت از مال خود بر آورده و بعضی ستود

نبوی لاحق شده و ابو نفیس هم بر سر سبقت چیز ذکر کرده اند از جمله آنکه چاهی کنده یا درخت  
 نشانده این عساکر از ابی سعید خدری از آنحضرت روایت کرده که هر یک آیت از قرآن یک  
 مسئله از علم کسی را بیا مورد جاری دلد و الله تعالی ثواب آن تار و قیامت و طبرانی از ابی بکر  
 آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله که الله تعالی در بهشت برای بنده صالح درجه بلند  
 میکند آن بنده بگوید که آنگهی مرا این درجه اگر باشد گوید بسبب استغفار بولده تو برای تو و نیز  
 از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که مردی مثل کوهها از  
 حسنات روزه قیامت سند گوید این از کجاست گفته شود که بسبب استغفار فرزند است و  
 صحیح مسلم از جریر بن عبد الله از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که هر که طریقه  
 نیک جاری کرده یعنی حسنه را و اوج داد او را ثواب آن حسنه باشد و ثواب هر کس که بدین  
 حسنه عمل کرده باشد رسد باینکه ثواب عمل کننده آن حسنه کم نشود و هر که طریقه بد جاری کرد  
 یعنی عمل بد را و اوج داد او را گناه آن عمل باشد و هر گناه که باین عمل کند باینکه چیزی  
 از گناه عمل کند گناه کم شود این سعد از جانب حیوة روایت کرده که سلیمان بن عبد الملك  
 را گفته که از چیزهای که خلیفه را در قمر محفوظ دارند چیست که بعد خود مردی صالح را خلیفه سازد  
 بیعتی و ولیمی از این عباس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله و سلم که نیست مرد  
 و قبر بگرم اند غرق شونده فریاد کننده انتظار میکند دعای خیر را که برسد او را از پدرش  
 یا مادر یا فرزندی دوست معتمد علیه پس چون میرسد او را باشد محبوب تر بسوی او از دنیا و ما  
 قیما و بدرستیکه حق تعالی دخل میکند بر قبور از دعای اهل بنین مانند کوهها و بدرستیکه پدر  
 زندگان بسوی مردگان استغفار است و ابن ابی الدنیا از سفیان روایت کرده که خواجه  
 زندگان بسوی طعام و آب محتاج اند مردگان بسوی دعا و این محتاج تر اند و اکثر علماء  
 منقول است اجماع بر آنکه دعای زندگان مروه را نفع میکند و دلیل آن از قرآن است  
 قوله تعالی والذین جاوره من بعدهم یقولون ربنا اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالايمان  
 و طبرانی در اوسط از انس از آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده که فرموده  
 اگر امت من است مرحوم است و دخل قبر میشوند با گناهمان و هر کس خود نهد آمد از قبر بزرگ

صلی الله علیه و آله و سلم

بنیاده و در نزد گناهان نشان سبب مغفار سو منان برای آنها و در همین از عائشه رضی الله  
 عنها مرویست که مروی گفت یا رسول الله که ما درین مباحثات مزد و چیزی وصیت نکرد  
 و گمان داریم که اگر سخن میگفت صدق میکرد آیا او را ثواب باشد اگر من تصدیق کنم از  
 طرف وی فرمود آری و تجاری از ابن عباس روایت کرده که سعد بن عبادہ گفت که یا  
 رسول الله ما درین مرده و من غائب بودم اگر من از طرف او صدقه کنم و او را نفع رسد فرمود  
 آری پس سعد گفت من شاهد میکنم ترا یا رسول الله که باغ من صدقه است از طرف او و  
 صاحب بن اربعه از سعد بن عبادہ روایت کرده که گفت یا رسول الله ما درین مرده  
 که امان صدقه فضل است فرمود صدقه آب پس چاهی کنیدی گفت که ثواب این چاه برا  
 ام سعد است و همچنین طبرانی بسند صحیح از انس آورده و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که  
 رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم وقتیکه تصدیق کنیدی از شما صدقه نفل باید که کنان  
 صدقه را از پدر و مادر خود پس باشد ثواب آن صدقه پدر و مادرش را و کم نشود از اجرا و چیز  
 و همچنین طبری از معاویه بن خثیمه روایت کرده و طبرانی در اوسط از انس روایت کرده که رسول  
 فرمود صلی الله علیه و آله وسلم که نباشد اهل خانه که کسی از آنها مرده پس تصدیق کند از طرف او  
 بعد موت او مگر آنکه هدیه کند برای او جبرئیل بر طبقی از نور و استبرک ناره قنار و بگوید ای  
 صاحب عقیق این هدیه فرستاده است بتو اهل تو نیست قبول کن پس آن هدیه بر او  
 داخل شود پس خوش شود بدان و عکرمین هم میسایگان او که هدیه بسوی شان نفرستاده  
 شده و ابن ابی شیبہ از سعید بن سعید روایت کرده که اگر از طرف میت پانچ صدقه کرده  
 شود هر آنکه رسد او را و طبرانی از عقبه بن عامر روایت کرده که زنی گفت یا رسول الله  
 حج کنم از طرف مادر خود فرمود اگر بودی بر مادر تو دین او میکردی گفت آری پس امر کرد  
 او را که حج کند و همچنین بزار و طبرانی بسند حسن از انس روایت کرده که آنحضرت امر کرد  
 مروی را بر اهل و حج از طرف پدرش و طبرانی از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود  
 صلی الله علیه و آله وسلم هر که حج کند از طرف مرده پس حج کننده را هم همان قدر ثواب  
 باشد و یحیی و صہبانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و آله وسلم

هر که حج کند برای الدین خود بعد از نشان بخشد الله تعالی برای او ثوابی از آتش و  
 ماوراء پیش را ثواب حج کامل میرسد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه و سلم صد حسنه بهتر از این  
 نیست که برای او حج کند بعد موت او این ابی شیبه از عطاء زید بن اسلم روایت کرده که مروی  
 گفت یا رسول الله از او کم از طرف پدر خود که مرده است فرمود آری و نیز از عطاء روایت کرده  
 که میرسد بعد موت ثواب عتق رنج و صدقه و روایت کرده از محمد بن قمر رضی الله عنه که حسن  
 حسین عیسیا سلام از طرف علی رضی الله عنه آزاد میکردند و این سعد از قاسم بن  
 محمد روایت کرده که عائشه از طرف برادر خود عبد الرحمن از مال قدیم خود آزاد کرد و بامیدان  
 که نفع کند او را بعد موت او و ابو شیبخ از عمر بن العاص روایت کرده که گفت یا رسول الله عاص  
 وصیت کرده بود بآزاد کردن صد برده پس آزاد کرد و شام از آنجا بچاه فرمود و صدقه و  
 حج و عتق کرده و میشوید مگر از مسلم اگر مسلم میبود او را ثواب میرسد و این ابی شیبه از حجاج بن یوسف  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم از جمله کسی که درین باب رواه آنست که نماز گزار  
 برای آنجا بنماز خود و روزه و اداری برای آنها باروزه خود و صدقه و بی از طرف آنها بصدقه  
 خود و در صحیحین از عائشه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که میرد و بر وی قرض  
 واجب باشد روزه و اداری از طرف او قریب او مسلم و صحیح از بریده روایت کرده که زنی گفت  
 یا رسول الله صلی الله علیه و سلم برادر من روزه و اداری واجب بود اگر من از طرف او روزه و اداری  
 کفایت کند او را فرمود آری باز گفته که مادر من گاهی حج نکرده بود اگر من از طرف او حج کنم  
 او را کفایت کند فرمود آری چون ثابت شد که ثواب عبادتی بدنی مانند نماز و روزه و حج  
 و عبادات مالیه از صدقه و عتق و کندن چاه بمیت میرسد پس اینها هم بر فقها حکم کرده اند  
 که ثواب قرات قرآن و عتکاف و غیره بر عبادت بمیت میرسد نه قال ابو حنیفه و مالک و  
 احمد و شافعی درین خلاف کرده حجت می آید بقوله تعالی لیس للانسان الا السعی و چون بعضی  
 نموده و جماع و بقوله تعالی تحتنا بهم و ترمیم ثابت شده که از اعمال غیر هم گاهی منتفع میشوند پس  
 تا و این واجب شده پس بعضی گفته که این بیت مستوفی است لکن بعضی گفته که  
 این حکم خاصست بامت ابراهیم و موسی علیهما السلام و بعضی گفته که لامعنی علیست



یعنی پس علی انسان الا سعى و بعضی گفته که مراد از انسان کافرست بقبریه سیاق کلام و  
 تاویل نزد فقیر آنست که معنی سعی جد و جوشش است و امر معنی آنست که بر کاری که انسان  
 میکند آنچه نیت و قصد او در انکار باشد همان او را میرسد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم انما  
 الاعمال بالنیات و اما کمال امر نالوی من کانت خیرته الی الله و رسول فخرته الی الله و رسول  
 و من کانت خیرته الی الدنيا یصیبها و امر او بیکجا فخرته الی ما اجر الیه حافظ شمس الدین بن  
 عبد الواحد گفته از قدیم در هر شهر مسلمان جمع میشوند برای اموات قرآن میخوانند پس  
 اجماع شده و خلال از شیعی روایت کرده که بوند الضار و قتیکه کسی میمرد از آنها بگو  
 قبر او می فتنند و برای او قرآن میخوانند و ابو محمد سمرقندی از علی رضی الله عنه از آن حضرت  
 صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هر که در مقابر گزشت و قل هو الله حدیازده بار خوانده شود  
 آن با اموات بخشید و او را ثواب او شود و بعد مردگان و ابو القاسم سعد بن علی از ابی هریره  
 روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که در محل مقابر شود پست بخواند فاتحه و قل  
 هو الله احد و الحمد للکاکثر و بگوید آنچه خوانده ام ثواب آن بابل قبور از مؤمنین بموات  
 گردانیدم آنهم مردگان برای او شفیع باشند بسوی الله تعالی و عبد الغیز صاحب خلال  
 بسند خود از انس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که در محل مقابر شود  
 سوره هسین بخواند از مردگان تخفیف عذاب شود و او را بعد مردگان جنات باشد و غیر  
 گفته که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم بخوانید بر مردگان خود تسبیح بگویند و وقت  
 مردن بخواند و عبد الواحد مقدسی گفته که نزد قبور بخواند و محب طبری گفته که در هر دو حال  
 خواند و در احیاء العلوم از احمد بن حنبل روایت کرده که قتیکه در مقابر و خل شوند  
 فاتحه و معوذتین و قل هو الله احد بخواند و برای اهل مقابر گردانند آنها رسد و بالاگذاشته خوانند  
 فاتحه نزد سرسیت و خاتمه سوره بقره نزد پای او از حدیث ابن عمر از حضرت صلی الله علیه و سلم  
 و اول سوره بقره و خاتمه آن از حدیث علأ بن ابن الحجاج و الله اعلم

## باب احسن و قاتل موت

ابو نعیم از ابن مسعود روایت کرده که فرمود رسول صلی الله علیه و سلم هر که اتفاق مردن  
شد نزد تمامی رمضان یا تمامی عرفه یا دادن صدقه و دخل بهشت شود و ابو نعیم از خثیمه روایت  
کرده که بودند سلف خوش میگردانند و آنها را مردن کسی نزد عمل صالح حج یا عمره یا روزه رمضان  
یا جهاد و احمد از خذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که لا اله الا الله گفته  
یا روزه و شسته یا صدقه داده برای حق تعالی و بران چشم شد و دخل بهشت شود و دیگر  
از عاقله بخبر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم هر که روز جمعه یا شب جمعه فرمود  
از عذاب قبر نجات یابد و روز قیامت آید و بر وی علامت باشد

باب در آنکه حبس نبیا و شهید و قبر خاک نشود

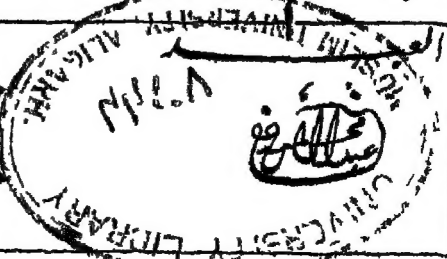
حاکم و ابو داود و از اوس بن اوس روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم بیشتر  
در دو نفر استید بر من روز جمعه پس بر رستیکه در روز شنباء بر من عرض کرده خواهد شد گفتند  
یا رسول الله چگونه عرض کرده شود بر تو و عالی که تو بوسیده یعنی خاک شده باشی فرمود  
حق تعالی حرام کرده است بر من اجساد و انبیا را و این ماجه از ابی الدرداء و مانند آن روایت  
کرده امام مالک بیعتی و غیره روایت کردند که چون معاویه بنی نضر آورده از راه جبل احد گفت کبر  
قتیل او اینجا مدفون باشد آنجا خبر گیرم و مردم عمر و بن جموح و عبداللہ بن جسر و عبد اللہ  
بن عمرو بن حرام را از آنجا بر داشته نقل مکان کردند بدینامی شان سالم بر آمده تازه و بوی  
مشک از آنجا خاک می آمد و گلند پای حمزه رسید خون از آن جاری شد از اینجا معلوم میشود  
که انبیا و شهدا را هر چند از اولی علی علیین باشند لیکن علاقه شان ببدن زیاده باشد  
از آنچه دیگر را باشد و لهذا آنهارا احیا میکنند و همچنین باشد حال صدیقان و صالحان یعنی  
او بیا و طبرانی از ابن عمر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم مؤذن که برای  
خدا و ان میکند باشد شهادت بخون است و چون بمیرد گرم نشود و قبر او قرطبی گفته  
که ظاهر آنست که او را خاک نهد و این منده از جابر بن عبد الله روایت کرده که رسول فرمود  
صلی الله علیه و سلم و قستیکه حامل قرآن می میرد و می میکند حق تعالی بسوی من

که گوشت او را بخوری زمین گوید ای رب چگونه نخورم گوشت او را در حالیکه کلام تو در شکم  
 اوست این منده گفته که درین باب از ابی بربریه و ابن مسعود و غیره روایت و مروزی اتفاق  
 روایت کرده که مار رسیده است که زمین مسلط نشود و جسدی که کناه نموده باشد اقول  
 بندگان صالح یعنی اولیاء الله که قلوب و اذان آنها صلاح یافته اند از گناهان محفوظ و محفوظ  
 زمین از جسد آنها هم مسلط نشود و چنانچه شهید را که سیف آنها را از گناهان پاک کرده است  
 و الله اعلم و محمد المصطفی العالمین و المصطفی و السلام علی رسول محمد و آله و صحابه و جمیع  
 و علی جمیع الانبیاء و المرسلین و علی الملائکة المقربین و علی عباد الله الصالحین برحمتک

### یا حرم الرحمن

خاتمه الطبع سپاس خدا را که درندگان موت و حیات برای امتحان مقرر گردانیده و دو قور و طبعان  
 را به نعمت و عاصیان را به نوبت رسانیده و در پیغمبر بر آنکه مومنان را ترویج عیالین و کافران را  
 بیم بجهنم داده و آن صحابش را که در راه تحصیل حسن خاتمه قدم فراتر نهاده اما بعد چون پهل  
 ایمان او استنجال موت و شناختن سعادت و وفات عاقبت ضرورت تا و تحصیل حیات  
 حسن انجام کوشد و از اسباب سوختن بر پیر و لهند احتیاط العباد و محمد عبد الرحمن بن حاجر  
 محمد روشن خاں اسکندر از انجمن رساله تبرکة مذکرة الموتی و القبور تصنیف تحت  
 علم الهدی علامه الوری قاضی محمد شمس الدین صاحب پانی پتی قدس سره که در  
 احوال اموات و قبور حسن تالیف یافته در مطبع نظامی در راه صفر ۱۲۹۹ هجری طبع و آورده  
 انتشار الله تعالی بخدایین رساله مذکرة النجا و هم علیه طبع پوشید جلوه ظهور خواهد داد  
 چون ناظرین از مطالعه اش خطبر دارند مستمر را بدعای حسن خاتمه یا در فقط

و چه ختم خاتمه برای سند یعنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط نموده شد





شالت

DUE DATE

۲۹۴۵

